



- در ستایش نهاد سازی
- دوزخ خاورمیانه و انرژی خواران
- نمایندگان معزز مجلس چه می کنند؟

هفته نامه غیربرخط اراده ملت / شماره ۴۰ / دوشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۱

سوسیال دموکراسی ایرانی

کنشگری روی رکاب

زهر اکرد

فلسفه و هنر زیستن (۲)

کاظم طیبی فرد

ورزش زیر سایه سیاست

امیرحسین سمائی

حق تقدم تفسیرستم با ستمدیده است

زهره رحیمی



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۲۳ خرداد ۱۴۰۱ / شماره ۴۰



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیر مسئول:

(در حال تغییر)

زیر نظر شورای سردبیری

هیات تحریریه:

زهرا کرد/زهرا رحیمی/افشین فرهنگچی

امیر حسین سمائی/حسن اسدی/حمید سپهری

رحیم حمزه/کاظم طیبی فرد/کوروش الماسی

علی صابری/شمس افرازی زاده/پیام فیض

همکاران این شماره:

عاطفه رحمانی/فائزه صمدی صدر/حسن غلامی

نشانی:

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان

آزادی، بن بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

تلفکس:

۰۲۱۶۶۵۶۷۸۴۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



نوشتار

تنش‌های سیاسی و اختلافات مذهبی و موضوعات مرتبط با ملی گرایی همیشه از چالش‌های اصلی در بسیاری از مسابقات ورزشی در سراسر دنیا بوده است. رابطه ورزش و سیاست سطوح کار کردی مختلفی دارد. بسیاری از ورزش‌ها برای برآوردن نیازهای اجتماعی طراحی شده‌اند.

گزارش

سر آغاز
در سر آغاز اشاره کنم که این قالب از ارائه گزارش با دو هدف صورت گرفته است. نخست اینکه امکان بازآفرینی برای علاقمندان را فراهم کند. دوم اینکه در همان ابتدا تاکید کند، بررسی مسائل اجتماعی پیچیدگی دارد. با یک گزاره

اندیشه

چنانکه در قسمت قبلی همین نوشتار عرضه شده، آموزه‌های اپیکوری، تلقی و خوانش آذونی از تاریخ فلسفه مشتی ست نمونه خروار. حتی اگر غایت و هدف فعالیت فلسفه و ذلت هویتی آن نبوده باشند، سراغ جستن از چنین تلاش‌هایی در طول تاریخ فلسفه کار چندان دشواری نیست. برخی نحله‌ها و فلاسفه، همچون

گفتگو

محمد کاظم انبارلویی، از اعضای شورای مرکزی حزب موقوفه اسلامی می‌گوید فعالیت‌های سیاسی گروهی خود را پیش از انقلاب و به شکل تحرکات سیاسی در گروه‌های کوچک مخالف رژیم سابق شروع کرده است. انبارلویی که عضو سابق حزب جمهوری اسلامی است در پی انحلال این حزب در سال ۱۳۶۶ به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی حزب موقوفه اسلامی در این مجموعه فعالیت کرده

رویدادهای ایران

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی روز ۱۵ خرداد یکی از بیمارستان‌های تهران دارفانی را وداع گفت. سید محمود دعایی، سال ۱۳۲۰ در یزد دیده به جهان گشود و پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد حوزه علمیه کرمان شد و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد و پس از اتمام سطوح اولیه تحصیلی در کرمان به

معرفی و پیشنهاد

(برداشته شده از یادداشت جلال جلیلی خبرنگار ایسنا)
«آن چیزی که باعث موفقیت من شد، عشق من به مردم بود» این عبارت آخرین جمله بازیرگر کودک فیلم آکیلا و مسابقه کلمات بود داستان فیلم مربوط به «آکیلا» دختر بچه یازده ساله سیاه پوستی است که زندگی سختی دارد پدرش مرده و مادرش هم

اخبار حزبی

در نشست خردادماه یکی از حوزه‌های حزبی به بررسی مواضع و نظرات جنبش metoo پرداخته شد. این جنبش یک جنبش و هشتک اینترنتی بود که در رسانه‌های اجتماعی از اکتبر ۲۰۱۷ گسترش پیدا کرد و بارها به اشتراک گذاشته شد. این هشتک برای نشان دادن شیوع گسترده تجاوز و آزار جنسی، به ویژه در محیط کار و محکوم کردن آن مورد استفاده قرار گرفت.

۷



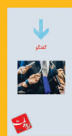
۱۱



۱۶



۲۴



۲۸



۳۱



۳۷





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

به جای مقدمه

در ستایش نهاد سازی

با سلام و ارادت خدمت تمام خوانندگان عزیز

شماره جدید (۴۰) نشریه اراده ملت را تقدیم شما مینمائیم. دوست داشتیم در ابتدای این مقدمه با خبری مسرت بخش در خدمت شما باشیم اما متأسفانه باز هم به سوگی دیگر نشستیم. این بار در سوگ جانباختگان حادثه قطار مشهد - طیس.

در این شماره در سخن سردبیری به موضوع نفت خاورمیانه و دوزخی که پیرامونش ایجاد کرده است، میپردازیم و در سرمقاله نگاهی داریم به عملکرد مشعشعانه مجلس در هفته جاری.

در بخش نوشتار دو یادداشت را به شما تقدیم میکنیم. یکی به بهانه لغو بازی فوتبال ایران - کانادا است و دیگری در مورد آداب هواداری از احزاب و اندیشه ها.

در قسمت گزارش، یک گزارش متفاوت و خاص داریم از نشست در حزب پیرامون نسخه ایرانی جنبش metoo و اماواگرهای پیرامون آن و در گزارش دوم به مناسبت روز جهانی دوچرخه سواری شما را به دنیای کنشگران رکابزن میبریم.

در قسمت اندیشه نگاهی داریم به دنباله موضوع فلسفه و هنر زیستن و دو کتاب را در این مورد به شما معرفی مینمائیم. در مقاله دوم این بخش به باز نشر مقاله ای میپردازیم که علی رغم اهمیتش هنوز به شایستگی مورد توجه قرار نگرفته است. مقاله ای در

مورد نهادسازی در عصر مصدق. در بخش گفتگو ابتدا با محمد کاظم انبارلویی عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی در مورد تحزب به صحبت نشستیم و سپس گفتگویی داشته ایم با علی حیدری یونس عضو سابق شورای شهرستان رزن و عضو فعلی شورای روستای کهریز بغازی. این گفتگو با محور مسائل و مشکلات روستائیان صورت گرفته است.

در بخش جدید نشریه (ایران در هفته ای که گذشت؟) مجدداً شش رویداد انتخاب شده است که امیدواریم مورد استفاده همراهان گرامی قرار گیرد.

در بخش معرفی و پیشنهاد، ابتدا فیلم آکیلا و مسابقه هجی کلمات را معرفی میکنیم و سپس خلاصه ای از مقاله بسیار مهم دکتر مرتضی مردیها در مورد دولت رفاه را خدمتتان عرضه مینمائیم. در همین بخش نگاهی داریم به خاطرات سید محمود دعائی و روز جهانی مبارزه با کار کودکان.

در بخش بعدی خبرهایی داریم از حزب اراده ملت ایران. اخباری از مباحث دفتر سیاسی، انتشارات حزب، جلسات حوزه ای و کارگروه محیط زیست را میتوانید در این بخش ببینید.

و در انتها در قسمت سیاست خودمانی به تعریف و مسئولیت های کنشگران سیاسی خواهیم پرداخت. مثل همیشه امیدواریم که نگاهی به تبلیغات نشریه نیز داشته باشید.

دوزخ خاورمیانه و انرژی خواران

و تسلط بر ذخایر و منابع انرژی خاورمیانه، کشورهای استعمارگر غربی و شرقی با انواع ترفندها و سیاست‌ها؛ «اجازه استقلال، امنیت، آرامش و ... را به کشورهای خاورمیانه نمی‌دهند».

اگر نکات فوق منطقی تلقی شود، آنگاه باید گفته شود، تلاش برای بهبود زیست آشفته، ناامیدکننده، بدون چشم‌انداز و ... جوامع خاورمیانه از طریق تأثیرگذاری بر عملکرد حکام این کشورها، بدون تدبیر راهکارهایی عملی برای کوتاه کردن دستان پنهان استعمارگران انرژی خوار در حکومت‌های خاورمیانه، عقیم خواهد بود.

در جهان خرد بنیاد معاصر، تعریف و وظیفه کارگزاران و نهادهای حاکمیتی ایجاد رفاه، آرامش و امنیت برای شهروندان است. کدام عقل سلیمی می‌تواند ادعا کند که کارگزاران و نهادهای حاکمیتی در خاورمیانه به وظیفه ذاتی خود عمل کرده یا می‌کنند؟ از آنجاکه خاورمیانه مهد مذاهب بزرگ بوده، پر بیراه نیست اگر گفته شود، به‌منظور پیشگیری از استفاده ابزاری از دین توسط استعمارگران انرژی خوار غربی و شرقی و خروج از دوزخ خاورمیانه، ضروری است تا وطن پرستان «مذهب خردباوری» را در جوامع و اذهان شهروندان خاورمیانه ترویج کنند. مذهب خردباوری کاربردی‌ترین پادزهر برای سیاست ورزان و صاحب‌منصبان غیر صادق که عملکرد ضد ملی خود را با توسل به اندیشه‌ها و باورهای دینی توجیه می‌کنند، می‌باشد.

محتمل‌ترین راهکار نجات شهروندان از دوزخ خاورمیانه، ملی کردن حکومت‌های خاورمیانه می‌باشد. کاربردی و عقلانی‌ترین راهکار ملی کردن حکومت‌های خاورمیانه کوتاه کردن دستان پنهان انرژی خواران استعمارگر غربی و شرقی از حکومت‌های دست‌نشانده خاورمیانه می‌باشد.

آشفته‌گی و حرج و مرج در کشورهای خاورمیانه نه به خاطر فقر یا کمبود منابع و ذخایر انرژی بلکه «به خاطر این حقیقت تلخ که استعمارگران انرژی خوار غربی و شرقی، اجازه توسعه نهادهای سیاسی و حاکمیتی کارآمد در خاورمیانه را نمی‌دهند». تضعیف احساسات میهن‌دوستی و هویت ملی از طریق برجسته کردن انواع توهمات و رویاهای سیاسی ضد ملی، اصلی‌ترین راهکار انرژی خواران غربی و شرقی، به‌منظور جلوگیری از ایجاد و توسعه اندیشه‌ها و نهادهای سیاسی کاربردی و ملی، می‌باشد.

دلسوزان و دغدغه‌مندان بسیاری تلاش می‌کنند تا راهکارهایی کم‌هزینه، منطقی و امکان‌پذیر برای برون‌رفت از زیست پر چالش و ناامیدکننده شهروندان تدبیر کنند. اما ظاهراً تلاش صادقانه وطن پرستان برای بهبود شرایط اجتماعی غیرعقلانی، همواره با موانع غیرقابل عبور مواجه می‌شود. این موجز تلاش دارد تا به یکی از عوامل اصلی ناکامی تلاش‌های صادقانه دغدغه‌مندان سلامت و امنیت ایران، اشاره‌ای کلی و مختصر داشته باشد.

تلاش‌ها و تحلیل‌های دغدغه‌مندان، توجه لازم به رابطه علت و معلولی، انبوه چالش‌های غیرقابل توجیه اجتماعی، عملکرد مدیریت کلان سیاسی و نقش استعمارگران انرژی خوار در شکل‌دهی فرایندهای سیاسی در کشورهای خاورمیانه، ندارند.

شاید، «شگفت‌انگیز» و «حیرت‌انگیز»، مطلوب‌ترین واژه‌ها برای تبیین شرایط خاورمیانه باشد. چرا خاورمیانه آشفته و پر چالش‌ترین منطقه جهان است؟ آیا شهروندان کشورهای خاورمیانه متفاوت از مردم مناطق دیگر جهان هستند؟ آیا صلح و ثبات در خاورمیانه ممکن است؟ آیا نخبگان و سیاست‌ورزان کشورهای خاورمیانه توانایی حل‌وفصل چالش‌های خاورمیانه را دارند؟ و ... پر بیراه نیست اگر خاورمیانه را دوزخ جهان بنامیم. چراکه انواع چالش‌های اقتصادی، فرهنگی، روابط خارجه، مذهبی، اشتغال، فقر و ... تار پود اذهان و اجسام شهروندان خاورمیانه را پوشیده است.

پر بیراه نیست اگر گفته شود همه درد و رنج شهروندان و انواع چالش‌ها اجتماعی و ملی در کشورهای خاورمیانه ریشه در وجود منابع و ذخایر سرشار انرژی در این منطقه، دارد. همان‌گونه که می‌دانیم، بقای موجودات از جمله انسان بدون انرژی ممکن نیست. اینکه سرچشمه تمامی اهداف انسانی (افراد، گروه‌ها، کشورها) مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با تهیه و تأمین انرژی است.

به بیان بسیار شفاف و ساده ریشه انواع چالش‌های اجتماعی و ملی در خاورمیانه این حقیقت است که کشورهای قدرتمند استعماری غربی و شرقی می‌خواهند کنترل منابع و ذخایر انرژی در خاورمیانه را در اختیار خود داشته باشند. چراکه، در جهان معاصر ابرقدرت بودن، تابع مستقیم در اختیار داشتن منابع انرژی جهان می‌باشد. بنابراین، در راستای تاراج



هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۴۰۵

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

نمایندگان معزز مجلس چه میکنند؟

در کنار ده ها دستور و گزارش در برنامه این هفته مجلس مایل هستیم در سرمقاله این شماره نشریه اراده ملت توجه شما را به سه گزارش جلب نماییم تا مشخص شود نمایندگان معزز مجلس در راستای دفاع از منافع ملت به چه اموری مشغولند.

این هفته در دستور کار مجلس گزارش کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در رابطه با طرح نحوه تشکیل و فعالیت تشکل های صنفی - تخصصی خوانده میشود. در این طرح برای تشکیل کمیته کشوری و کمیته استانی صدور پروانه به بسیج اصناف حق رای داده شده است اما اتاق اصناف و نماینده اصناف حق رای ندارند. در همین طرح اجازه اجتماع از تشکل ها گرفته شده است و در صورت تجمع با مجازات روبرو خواهند شد.

در دستور کار دیگری گزارش کمیسیون بهداشت مجلس در مورد لایحه عضویت ایران در آژانس بین المللی تحقیقات سرطان ارائه میشود. در این گزارش کمیسیون بهداشت به استناد اصل ۱۵۳ ام قانون اساسی (هر گونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است)، این لایحه را رد کرده است. به نوعی به چند سال عضویت ایران در این نهاد وابسته به سازمان بهداشت جهانی خاتمه داده است.

و نهایتا در دستور کار دیگری گزارش کمیسیون امنیت ملی در مورد

لایحه اصلاح قانون به کارگیری سلاح توسط مامورین نیروهای مسلح در موارد ضروری ارائه میشود. در این گزارش اصلاحاتی پیشنهاد شده است که تسهیل در امر استفاده از سلاح را موجب میشوند. مثلا پیشنهاد شده است که در صورتی که راننده وسیله نقلیه به اخطار ایست مأموران ایستگاه های ایست و بازرسی و یا ناخدای شناور به اخطار گشت دریایی توجه نکنند؛ میتوان به ایشان تیراندازی نمود. در حالیکه قبلا این موضوع مشروط به اطلاعات از وضعیت ماشین (در صورتی که وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد)، یا حمله ماشین به مردم یا مأموران بود.

طبیعی است که این همه برنامه ها و دستورات مجلس نیست اما نمونه ای است از نگاه نمایندگان ملت که با صرف هزینه های بسیار در صد سال اخیر و با جنبش مشروطیت در راستای حاکمیت قانون، تامین منافع ملت در مقابل قدرت و تامین منافع ملی به مجلس راه یافته اند.

نتیجه نهائی این گزارشات هنوز مشخص نیست و موقوف به بررسی این طرح ها و لوایح در صحن خواهد شد، اما سوالی که باید از نمایندگان پرسید این است: که آیا ما صد سال تلاش و مجاهدت کردیم، چندین جنبش و انقلاب به راه انداختیم تا مجلسی را شکل دهیم که این چنین عمل کند؟



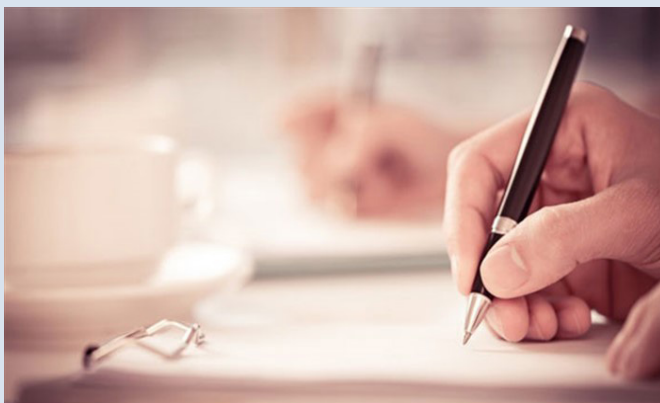
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱



نوشتار



ورزش زیر سایه سیاست

امیرحسین سمائی

در قبل از انقلاب مهم‌ترین اتفاق سیاسی ورزش ایران برمی‌گردد به مسابقه فینال فوتبال جام ملت‌های آسیا ۱۳۴۷ در ورزشگاه امجدیه تهران و پیروزی ایران در مقابل تیم فوتبال اسرائیل که با شعارهای سیاسی علیه موشه دایان وزیر جنگ اسرائیل همراه شد و فردای آن روز یک دفتر هواپیمایی در تهران توسط تیم اسدالله لاجوردی با بمب منفجر شد.

بعد از انقلاب ۵۷ ورزشکاران به‌طور غیررسمی از مبارزه در مقابل ورزشکاران اسرائیل سر باز زدند و این رویکرد در سال‌های اخیر به خاطر تحریم‌هایی که برای فدراسیون جودوی ایران به وجود آمد بسیار پرهزینه شده است و مسئولان ورزشی با بهانه‌هایی همچون

مصدومیت از ورزشکاران می‌خواهند تا از رویارویی با ورزشکاران اسرائیلی سر باز زنند. در مقابل این سیاست حاکمیتی در ایران، ورزش بعد از انقلاب باعث نزدیک‌تر شدن ایران و آمریکا شده است، به‌عنوان مثال در مسابقات جام جهانی کشتی ۱۹۹۸ تهران، اولین بار به‌جای آتش زدن پرچم آمریکا در خیابان‌های تهران، ورزشگاه آزادی شاهد برافراشته شدن پرچم آمریکا همراه با سرود ملی این کشور برای طلاآوران کشتی آمریکا بود.

سیاست خارجی پرتنش جمهوری اسلامی و نگاه ایدئولوژیک به ورزش

در سال‌های اخیر تأثیرات منفی برای ورزش ایران داشته است. به‌عنوان مثال روابط ایران و عربستان باعث شده مسابقات فوتبال باشگاهی و ملی همیشه در یک زمین بی‌طرف برگزار شود و یا صحبت‌های علیرضا دبیر علیه دولت آمریکا باعث عدم صدور ویزا تیم ملی کشتی ایران برای حضور در آمریکا شد. علاوه بر این، قوانین پوششی برای بانوان ورزشکار ایرانی شرایط حضور آن‌ها را در مسابقات

تنش‌های سیاسی و اختلافات مذهبی و موضوعات مرتبط با ملی‌گرایی همیشه از چالش‌های اصلی در بسیاری از مسابقات ورزشی در سراسر دنیا بوده است. رابطه ورزش و سیاست سطوح کارکردی مختلفی دارد. بسیاری از ورزش‌ها برای برآوردن نیازهای اجتماعی طراحی شده‌اند، از هنرهای رزمی ژاپنی که به‌عنوان وسیله‌ای برای رشد معنوی و نظم اجتماعی شناخته می‌شود تا حضور جنجالی جان کارلوس و تامی اسمیت در مراسم اهدای مدال مسابقات دوی ۲۰۰ متر بازی‌های المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی که با دستکش و جوراب مشکی و بدون کفش برای اعتراض به نژادپرستی در آمریکا بر روی سکو رفتند یا حتی حذف گسترده تیم‌های روسیه در مسابقات مختلف ورزشی در

ماه‌های اخیر، همه نشان از اهمیت و جایگاه ورزش در منازعات سیاسی دارد.

مسابقات المپیک همیشه صحنه تعارضات سیاسی بوده است و از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۸۸ عمده‌ترین مسابقات تحت تأثیر جنگ سرد بلوک شرق و غرب بود و در دوره‌های مختلف، یک طرف این نزاع مسابقات را تحریم کردند؛ اما اوج تنش‌های سیاسی در این مسابقات به وقایع المپیک ۱۹۷۲ مونیخ برمی‌گردد زمانی که یک گروه فلسطینی با گروگان‌گیری ورزشکاران اسرائیلی خواستار آزادی ۳۰۰ زندانی فلسطینی از زندان‌های اسرائیل شدند.

با این وجود میدان ورزش همیشه خشونت‌آمیز نبوده و موارد متعددی می‌توان یافت که به نزدیک شدن ملت‌ها کمک کرده است و دیپلماسی ورزش یکی از ابزارهای قدرت نرم برای تأثیرگذاری غیرمستقیم بر دیگر کشورها بوده است.

در ایران موضوعات سیاسی یکی از چالش‌های اصلی ورزشکاران است، بخصوص بعد از انقلاب ۵۷ این موضوع بسیار پرحاشیه شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰۵

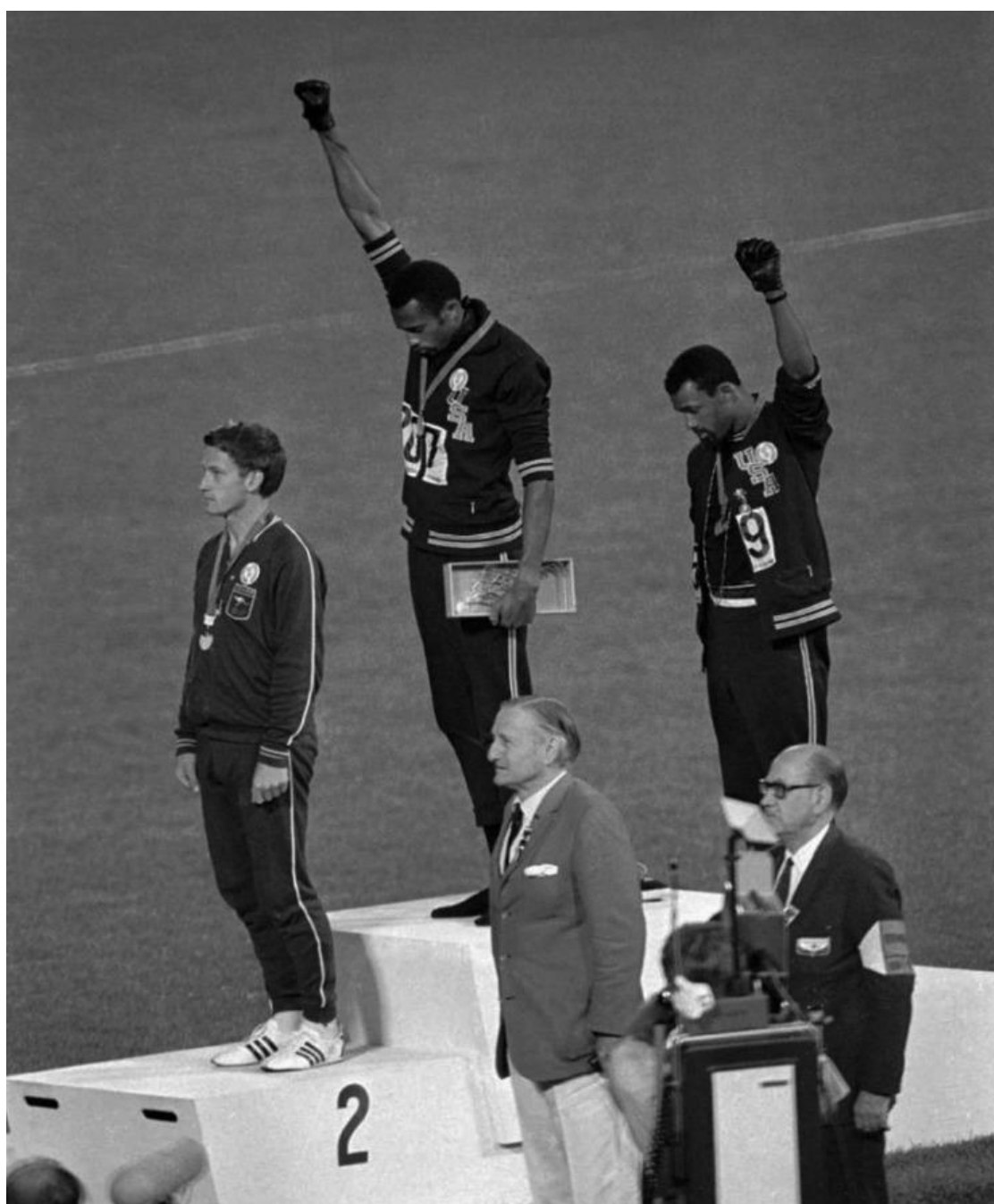
۲۳ خرداد ۱۴۰۱

بین المللی بسیار سخت و ناممکن کرده است.

در آخرین مورد از پیامدهای منفی سیاست در ورزش ایران می توان به لغو بازی دوستانه فوتبال ایران و کانادا نام برد. تیم های ایران و کانادا قرار بود ۱۶ خرداد برای آمدگی بیشتر برای مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در کانادا با یکدیگر روبه رو شوند؛ اما از زمانی که این موضوع رسانه ای شد انجمن خانواده های جان باختگان پرواز PS۷۵۲ همراه با بخشی از دولت کانادا به مخالفت با این مسابقه پرداختند و در نهایت فدراسیون فوتبال کانادا در پیامی توییتی به دلیل شرایط سیاسی مسابقه را لغو کرد و حتی جاستین ترودو،

نخست وزیر کانادا بیان کرده، دعوت از تیم ملی فوتبال ایران برای بازی در ونکوور، ایده خوبی از سوی فدراسیون فوتبال کانادا نبوده است.

باید دید سیاست دوگانه ورزش که مانع رقابت ورزشکاران ایرانی با اسرائیلی می شود و از طرفی همین نگاه که بازی دوستانه فوتبال ایران و کانادا را لغو می کند چقدر به منفعت جامعه ورزشی ایران خواهد بود! امید است، ورزش که می تواند همچون ابزاری قدرتمند در کنار جامعه مدنی به صلح و پیوند فرهنگی بین ملت ها کمک کند، برای ایرانیان هم دستاوردهایی فراتر از نتایج مسابقات ورزشی داشته



ملاحظات هواداری

حسن اسدی

- گشودگی به نقد و میزان اصلاح پذیری؛ هم در خویش و هم در مرامی که به هواداری و حمایت‌اش دست می‌زنیم. مرام و منش مربوطه باید برخوردار از امکان و ظرفیت بحث و مناظره باشد و خودش را در درجاتی از پاسخگویی و اقناع مسئول بداند.
- پرورش نیروهای هوادار؛ که حمایت و هواداری را با شرط و شروط و ملاحظات آن در پیش بگیرند. و در این مسیر، آگاه و توانا و منعطف باشند.
- طراحی مکانیسمی که مانع از رفتار و گفتار غیر منعطف می‌شود، آنجا که انعطاف و تحمل شرط گفتگو، تقریب و پیشروی است. لزوم پیشگیری از برخوردهای قهری و بازدارنده در فضای طرح نقدها و کاستی‌ها.
- ممانعت کامل از نوع و نحوه دفاعی که انعطاف و تحمل مرام را زیر سؤال می‌برد و با ادبیاتی که از آن موجودیتی را به نمایش می‌گذارد که حرفی برای گفتن ندارد؛ و این استانداردها زمانی به نشانه‌ها و شاخص‌هایی برای ارائه تصویری زیبا از مرام تبدیل می‌شوند که هواداران آن مرام در هر مباحثه و مناظره‌ای محتوایی غنی با ادبیاتی زیبا را عرضه بدارند نه اینکه از همان ابتدای شروع به گفتگو، با خرده‌گیری و بدزبانی رقیب را ساکت کنند و شنونده را در این ابهام فروبرند که قرار بود از این گفتگو چه چیزی استخراج شود؟

اجتماعی بودن انسان از تلاش برای دستیابی به حمایت آغاز می‌شود و به یافتن ظرفیت و مهارت حمایت از دیگران منتهی می‌شود. به عبارتی انسان موجودی است که برای اطمینان از تحت حمایت بودن، عضویت در اجتماع را قبول می‌کند و با گام‌های ارتقا و تعالی، به نقطه‌ای می‌رسد که باید از دیگری حمایت کند. و این دیگری، محدود به افراد نیست و جریانات رانیز شامل می‌شود. پس درک نیاز شخصی، می‌تواند محرکی برای تقاضای حمایت باشد و درک نیاز دیگران و توانایی خویش برای کمک، عامل حرکت به سوی حمایتگری خواهد بود؛ اما با همه اهمیتی که در حمایت و حمایتگری می‌توان دید، این اهمیت نمی‌تواند و نباید مستمسکی برای هرگونه حمایتی گردد.

نه دست نیاز به هر سویی و هر کسی دراز کردن و نه با بضاعت‌های نداشته و مخدوش، به کمک و حمایت شتافتن، هیچکدام مورد تایید نیست!

با این مقدمه ملاحظات و موازین حمایت و هواداری سیاسی کدامند و در این مسیر ما به چه مهماتی توجه کنیم؟

- انتخاب آگاهانه مشی و مرامی که فکر می‌کنیم می‌تواند به نیازهای ما پاسخ مثبت دهد زیرا مرامی که نتواند برای نیازهای هواداران خود پاسخی در خور داشته باشد مسلماً نخواهد توانست، جذابیت نفوذ در دیگران را فراهم کند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱





گزارش



“حق تقدم تفسير ستم با ستم دیده است”

گزارش نشست گفتگو محور «اماواگرهای جنبش من هم؛ metoo» در فضای مجازی به تاریخ خرداد ۱۴۰۱
 زهره رحیمی (مسئول کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران)

سرآغاز

در سرآغاز اشاره کنم که این قالب از ارائه گزارش با دو هدف صورت گرفته است. نخست اینکه امکان بازآفرینی برای علاقمندان را فراهم کند. دوم اینکه در همان ابتدا تاکید کند، بررسی مسائل اجتماعی پیچیدگی دارد. با یک گزاره و دو گزاره، حق مطلب ادا نمی شود. از یک مقدمه ناقص، به یک موخره کامل نمی رسد و گاهی مرز بین درستی و نادرستی تصمیمات ما را همین ظرائف و جزئیات است که تعیین می کند. تقاضا می کنیم با شکیبایی و تا انتها همراه ما باشید و در جملات و مفاهیمی که انتقاد شما را برمی انگیزد، متوقف نشوید.

این جلسه ی گفتگو با دعوت مسئول کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران صورت گرفت. در این نشست گفتگو محور، ۱۷ نفر از استان های مختلفی چون همدان، لرستان، البرز، زنجان، سمنان حضور یافتند. نه فقط اعضای از حزب، که حضور میهمانانی خارج از تشکیلات نیز به گستردگی و غنای گفتگوها یاری رسانید؛ که از یکایک ایشان قدر دانیم. این یادداشت، با گردآوری نظرات تک تک دوستان مشارکت کننده، پدیدار گشته است.

فرض های مقدماتی نشست از این قرار بود:

- فرض یک- در چهارچوب عنوان نشست، ما به تاریخچه، لزوم و اهمیت برقراری این جنبش و مواردی خارج از عنوان نخواهیم پرداخت.
- فرض دو- ما کلیت جنبش مذکور را پذیرفته ایم و نقدی بنیادی در رد این جنبش نداریم. صرفا با توجه به وضعیت جامعه ی ایران به ملاحظات، احتیاطات، تبعات و چالش های آن نگاهی خواهیم انداخت. لذا ما از دریچه ی نگاه های منکر مسئله و نافی جنبش، از جمله دیدگاه «قربانی، متهم است» و یا دیدگاه «لزوم خاموشی مبتنی بر شرم و حیا» به جنبش نگاه نمی کنیم و افشای رنجی که بر قربانیان رفته و ضرورت پاسخگویی متهمان را، ضرورت می دانیم.

- فرض سه- این نشست بر محور گفتگوست. ما علاقه مندیم که بیش از پاسخ، با التهاب پرسش های جدید روبرو شویم و برای آن ها پاسخی درخور جستجو کنیم. لذا در این نشست، در پی نتیجه گیری های متقن و توصیه های قطعی به مخاطب نیستیم. بی تردید بایسته است که این دست مسائل در فضای گفتگو محور جامعه، آن هم در طول زمان و با مداخله نهادهای شایان، به مناسب ترین دستاوردها برای مواجه با مسئله دست یابد. شروط این گفتگو از این قرار بود:

- علیرغم تمایل به تأکید روی موضوعات، اما مطالب را به صورت تکراری مطرح نکنیم.
- هر پیام هشداردهنده، آگاهی بخش، راهبردی برای جمع داریم، در

اختیار بگذاریم.

- محدوده زمانی را رعایت کنیم.
- دقیق و صبور به سخن یکدیگر گوش فرا دهیم. یکدیگر را از روی سخنان، داوری نکنیم.

نکاتی که باید در مقدمه آسیب شناسی این پدیده به آن پرداخت:
 ۱. نگاه جنسیتی به تعرض نداشته باشیم. قربانی می تواند مرد، زن یا شهروندی تراجنسیتی باشد. متعرض هم می تواند از همین گوناگونی برخوردار باشد.

۲. آمار قربانیان مرد و تراجنسیتی را ناچیز نپنداریم که قابل توجه هستند و گاه شدت آسیب هایی که می بینند، منجر به تصمیماتی در حد خودکشی هم می شوند. در عین حال تایید می کنیم که شمار تعرضات گزارش شده به زنان، بیشتر و پرتکرارتر است.

۳. گفتگو در این محورها باید در هر جمعی که هستیم، با رعایت ملاحظات روان شناختی صورت بگیرد. در هر محفلی ممکن است قربانی یا متعرضی در کنار ما به صورت گمنام حاضر باشد. پرداختن به مباحث باید با ملاحظاتی باشد که درد و رنج قربانی را تشدید یا مجاری ارتباط سازنده با آزاردهندگان را قطع نکند.

۴. تجاوز و آزار یک پدیده فرمال نیست که در حدود مرز مشخصی بتوان برای آن تعریف کرد. می تواند آرام آرام، نه چندان آشکار و با ابعادی غیر قابل توصیف و حتی نه خیلی آگاهانه و عامدانه بروز کند.

۵. این جریانات باید قابلیت افزایش حساسیت جامعه نسبت به آزار و آزارگری را داشته باشد.

۶. در بسیاری موارد، بخشی از جامعه، قربانی را به خاطر عدم واکنش دفاعی یا مقاومتی سرزنش می کنند، باید به خاطر داشته باشیم که واکنش امتناعی فرد قربانی به آزار، می تواند در سه شکل جنگ، گریز یا فریز تجلی کند.

۷. جنبش “من هم” در جوامعی با بسترهای اجتماعی فرهنگی مدنی متفاوت و حتی متضاد رخ می دهد. برخی جوامع از آزادی های فردی گسترده و امکان کامجویی و کامروایی به روش های مهیا و متنوعی برخوردار هستند و برخی جوامع با بایدها و نبایدهای بی حد و حصر شرعی و عرفی و قانونی دست و پنجه نرم می کنند که جمعیتی میلیونی را بالذات های مداوم سرکوب شده و بیمارانی جنسی ارمغان آورده است. در برخی جوامع، فضای گفتگو با نقش فعال گروه های دانشگاهی، مؤسسات پژوهشی، نهادهای مدنی متولی حقوق شهروندی، رسانه های آزاد و سایه قانون مدافع حق شهروندی جلو می رود. در برخی جوامع پرداختن به این محورها حتی در سپهر دانشگاهی منع شده است. رسانه ملی بر آن چشم می پوشد.



هفته نامه غیر برخط
 اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

#METOO



نهادهای موعظه گر ریشه های آن را تحریف و تقبیح می کنند و خلأ قانون حمایتگر موج می زند. پس این پرسش مهم می شود که آیا جنبش من هم در این دو جامعه، می تواند با مناسباتی یکسان پیش برود؟

۸. دقت کنیم که تعریف و تشخیص تعرض، خشونت، آزار و تجاوز مهم است. در سایه تعاریف و تفاسیر متنوع از این آسیب ها و همین طور تنوع دیدگاه در خصوص اختیار و اجبار انسان، مواجهه ما با مسئله می تواند به آشفتگی بکشد که باید از این آشفتگی با مدد دانش و تجرب موجود پرهیز کرد.

۹. بدیهی است هرگونه رابطه توأم با رضایت، حتی بدون قید و فارغ از حدود عرف و قانون و شرع، موضوع و محور آزار و تعرض محسوب نمی گردد.

۱۰. به یاد داشته باشیم و البته پیگیر باشیم در کنار جنبش افشاگرانه ی «من هم» که با موضوعیت پدیده جنسی، معمولاً خاستگاهی از گروه های خاص به ویژه طبقات متوسط به بالا و شهروندانی با دسترسی به رسانه و تربیون دارد، ما بشدت نیازمند افشای انواع و اقسام آزارها و استثمارهای پیدا و پنهان دیگری هستیم که در محیط های کاری در حق نیروهای کاری فرودست و محروم از سخنگو و بلندگو رخ می دهد و لزوم رسیدگی به این آزارها، تا احقاق حقوق کامل قربانیان را می طلبد. چراکه در بسیاری مواقع، می تواند مصداق عمیق تر و وسیع تری از تعرض و آزار باشد و عامل مؤثری در سکوت ناخواسته و اجباری کارگران، نسبت به دیگر تعرضات از جمله تعرض جنسی حین کار نیز می گردد.

اما اگرها و چالش های جنبش من هم در جامعه ایران:

- این جنبش ها نباید صرفاً به افشای عمومی و یا رسوایی چهره ها تقلیل پیدا کند و هیچ، این جنبش ها باید با افزایش حساسیت جامعه، برای رفع ریشه ای آسیب و تحقق برخوردهای حقوقی و قانونی با متهمان و احقاق حقوق قربانیان و تغییر و اصلاح قوانین مبتنی بر حفظ حقوق شهروندی صورت پذیرد.

- در حال حاضر در ایران این جنبش بیشتر در محدوده ی گروه های خاص صورت می گیرد. درحالی که درصد بالایی از این تعرضات در حق افراد و گروه هایی از جامعه رخ می دهد که وقایع و روایات زندگی آن ها هرگز

مورد توجه نیست و گمنامان و نادیدگان جامعه بشمار می آیند.

- از آنجاییکه طبق گزارش های جهانی، برخی از این شکایات باهدف اخاذی یا باج گیری صورت می گیرد یا به این مسیر هدایت می شود؛ فرایند مواجهه ما باید مانع چنین تبعاتی گردد و لازم به ذکر است که طبق همین آمار و گزارش ها، درصد کمی از شکایات هم با هدف اخاذی و باج گیری است.

- فراموش نکنیم که قراردادهای اجتماعی به تناسب گذشت زمان و تغییر شرایط، دستخوش تحول قرار می گیرند و جامعه ایران هم با تغییرات اجتماعی پرشتابی مواجه است.

- گاهی نگاه مالکیت محورانه می تواند ما را به ورطه ی خصومت های ناخودآگاهی بکشانند که میل به رسواسازی و حیثیت زدایی را بدون موضوعیت منصفانه و معقولانه اش، شعله ور کند.

- نتایج بررسی ها از جنبش من هم در بسیاری از کشورها نشان داده است که اکثر متهمان رفتار تدافعی و انکاری در پیش گرفتند و عذرخواهی های صورت گرفته لغزنده و غیر صادقانه بوده است؛ یعنی این بررسی ها مدعی هستند که جنبش، منجر به تغییر نگرش متهمان نشده است و بیشتر جنبه مهاری و ترساننده دارد.

- ادعا شده که در کارزار جنبش من هم، فضای احساسی و به ظاهر همدلانه ای که نسبت به قربانیان شکل می گیرد، موجب اعطای امتیازاتی شغلی یا موقعیتی به قربانی می گردد که معمولاً قربانی، شایسته دریافت آن نیست. و در یک فرایند رقابتی و شایسته سالارانه، این بذل و بخشش های شغلی نوعی تحریف در شایسته سالاری بشمار می رود. اینکه در جامعه ایران آیا هنوز چنین تبعاتی بروز کرده با خیر، نیازمند پژوهش است.

- به دلیل اقتضات و مناسبات فرهنگی و عرفی، در ایران بسیار کمتر از جوامع توسعه یافته، قربانیان در فرایند مشارکت در جنبش من هم، از همدلی و پشتیبانی خانواده و نزدیکان برخوردار می شوند.

- ساز و کارهای حقوقی و قانونی در ایران مبتنی بر احقاق حقوق حداکثری شهروندان نیست و از رویکردهای جنسیتی و تبعیض محور رنج می برد.

- در جامعه پر چالشی مثل ایران، که یکی از سوء رفتارهای مرسوم، جنسی است، شکل های متنوعی از آزار زنان در مکان های مختلف رخ



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰
۲۳ خرداد ۱۴۰۱

۹. خودمان را توانمند کنیم. اراده خویش را بر «نه گفتن» تقویت کنیم. شجاعت برخورد‌های هشدار و بازدارنده نسبت به افرادی با رفتارهای متعزانه یا آزاردهنده را در خود تمرین کنیم. مراقبت و محافظت از خود و حریم خود را بیاموزیم. گوش معتمد و یاری، حامی و همدل و مؤثر برای قربانیان باشیم.

۱۰. ضرورت دارد که در جامعه ایران، هر بار پیش از مشارکت، این پرسش را از خود بپرسیم که آیا دستاورد حرکت (METOO) به نفع این قربانی هست و اگر حرکت را آغاز کردیم آیا از این پیش‌تر برویم یا خیر؟

۱۱. آگاهی از قوانین و موازین به‌ویژه در محیط‌های کاری و آموزشی و حرفه‌ای، می‌تواند یکی از روش‌های پیش‌گیرنده باشد.

۱۲. در عین حال که شجاعت، ریسک‌پذیری و گشودگی به تجربه را نقطه قوتی برای اشخاص برمی‌شماریم اما ضروری است که با توجه به شرایط فردی و محیطی، افراد از قراردادن خود در مکان‌ها و وضعیت‌های پرخطر و آسیب‌زا اجتناب کنند یا بسیار به آن محتاط باشند.

۱۳. مراقب باشیم که دقیق و محتاط تحلیل کنیم. اینکه جاه‌طلبی، طمع، زیاده‌خواهی، هوسرانی، بازیگوشی و بی‌مبالاتی قربانی را عاملی برای توضیح تعرض‌ها معرفی کنیم، به هوادارن غیرمنصف «قربانی» مقصر است» منتسب می‌شویم.

۱۴. حق تقدم تفسیر ستم با فرد رنج‌دیده از ستم است. در تفسیر و تعبیر خشونت یا آزار اعمال شده، حق تقدم تفسیر با فرد قربانی تعرض و آزار است؛ و ما به اولویت باید شنوای همدل و حامی برای آزاردیدگان باشیم.

پرسش پایانی محفل تا ما را به بیشتر اندیشیدن وادار کند: آیا روابط پیچیده‌ای چون عشق‌ورزی، ارتباطات عاطفی و جنسی را می‌توان به چهارچوب‌ها و قاعده‌مندی‌های دقیق و ظریف بیرونی مقید کرد؟ و اساسا مرز این قاعده‌مندی‌ها با توجه به گوناگونی شخصیت‌ها و روابط با کدام متر و معیاری، اخلاقی‌ترین خواهد بود؟

در انتهای یادداشت، یادآوری می‌کنیم که این نشست تنها مدخلی برای گفتگوهای مرتبط با موضوع تلقی می‌شود و کمیته آموزش و توانمندسازی حاما هرگز مدعی نمی‌شود که از تمامی ابعاد و با رعایت تمامی ظرائف به این امر پرداخته است.

می‌دهد. در سایه این گستردگی و تکرار و تنوع، زنان قربانی نسبت به کدام متعرض یا آزاردهنده، فریاد دادخواهی و رسوایی سر بدهند؟

سفارش‌ها و تأکیدات نهایی نشست:

۱. ما قطعا کلیت جنبش را رد نمی‌کنیم. علیرغم چالش‌ها و تأثیرات منفی و آسیب‌های احتمالی، توصیه به تعطیل آن نمی‌کنیم. چراکه به‌نوعی پاک کردن صورت‌مسئله تلقی خواهد شد.

۲. مختصات و مناسبات و اقتضائات جامعه خودمان را در بررسی‌ها و نوع مواجهه با موضوع بسیار موردتوجه قرار دهیم.

۳. قطعا مثل هر راهکار دیگری، این روش هم نمی‌تواند تسکین‌بخش و راهگشا برای تمامی قربانیان تعرض باشد. لذا ما مشارکت در این جنبش را، به تمامی قربانیان بدون قید و شرط توصیه نمی‌کنیم.

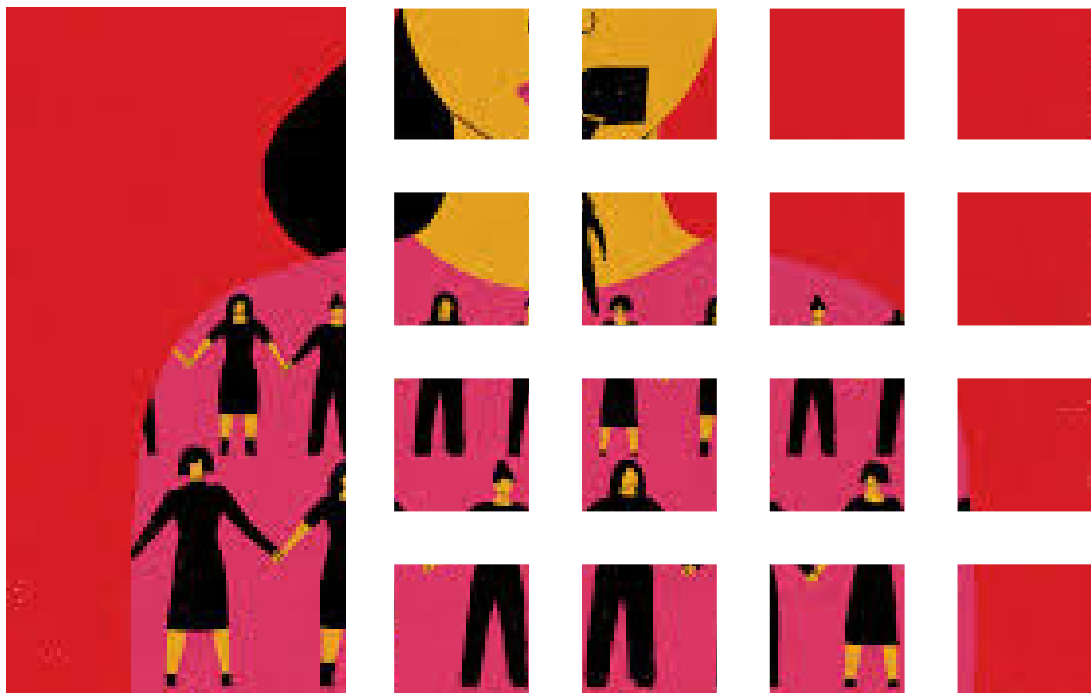
۴. شایسته است که پیش از هر اقدامی به ابعاد فردی و اجتماعی موضوع بیندیشیم و در این مسیر می‌توانیم از مشورت متخصصین حوزه روانشناسی، مشاوره و کارشناسان حقوق بهره ببریم.

۵. برای فرایند تحقق جنبش من‌هم، سازوکار تعریف کنیم. از جمله؛ ایجاد نهادهای مستقل که از واحدهای تخصصی برای تشخیص و تعیین حدود تعرض و آزار برخوردار باشند. همچنین واحدهای حقیقت‌یاب و پیگیری‌کننده حقوقی مسئله. تأمین شرایط دفاع متهمان و شنیدن سخنان ایشان. علنی نکردن اسامی متهمان جز در محضر این نهادهای مستقل و متولی، آن‌هم با شرط محرمانگی اطلاعات.

۶. تلاش کنیم و پیگیر باشیم که در هر نهادی که مشغول به خدمت هستیم، واحدهایی برای ارجاع و رسیدگی به چنین مواردی تعریف و اجرا شود.

۷. در هر نهادی که با چنین مسئله‌ای روبرو شدیم، می‌توانیم با مراجعه به متولی رسیدگی، مسئله را پیگیری کنیم. وقایع را مستند کنیم که در صورت لزوم امکان ارائه به بیرون باشد. از کنار آن نگذریم و خود را با آن سازگار نکنیم.

۸. در شرایطی ویژه و با صلاح‌دید قربانی، گفتگو یا مکاتبه شخصی و صمیمانه با فرد متهم پس از زمان مقتضی، می‌تواند به عنوان گامی قابل تأمل، پیش از پیوستن به جنبش من‌هم، در نظر گرفته شود.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰
۲۳ خرداد ۱۴۰۱

کنشگری روی رکاب

زهرا کرد



زنان هستیم. علی رغم اینکه نص قانونی مبنی بر محدودیت و یا ممنوعیت دوچرخه سواری زنان در ایران وجود ندارد و طبق قانون «فعل یا امری جرم تلقی می شود که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده باشد» راجع به دوچرخه سواری چنین گزاره ای وجود ندارد. اما مان جمعه دو شهر اصفهان و مشهد که اتفاقاً هر دو دارای تعداد قابل توجهی دوچرخه سوار هستند و مشهد دارای بیشترین کیلومتر مسیر دوچرخه شهری است بر طبل مخالفت با این شیوه حمل و نقل برای زنان همواره می کوبند و به این شیوه یکی از بدوی ترین حقوق شهروندی زنان را که استفاده از دوچرخه است نقض می کنند. در نبود وحدت رویه در مواجهه با مسائل اجتماعی، ائمه جمعه برخی شهرها با نگاهی تلطیف شده معتقد هستند زنان زیر سقف و دور از انظار عمومی امکان رکاب زدن دارند چرا که با این امر سبب تحریک مردان جوان می شوند و این رویکرد نیز به شیوه ای دیگر حضور زنان را در بستر جامعه محدود و منوط به دیوار کشی در فضای شهری می کند و از فضاهای عمومی برای زنان حقی قائل نیست. این در حالی است که بی تحرکی، استرس، سبک زندگی ناسالم، ترافیک، کاهش تعاملات اجتماعی و فردگرایی همگی در بروز بیماری های مختلف جسمی و روحی مؤثر است و پر بیراه نیست که بتوانیم با دوچرخه بخشی از این ناهنجاری های اجتماعی را اندکی کاهش بدهیم و به الگوی سابق زیست در ایران که همان گره خوردن چرخ زندگی با چرخ دوچرخه های قدیمی ۲۸ فونیکس بود بازگردیم البته با اهدافی نو و متناسب با نیاز امروز.

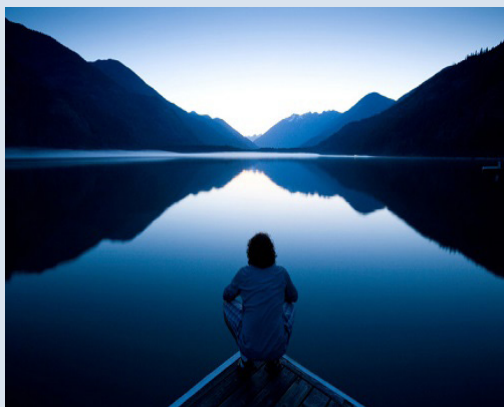
با گذری در تاریخ جهان و حضور اولین دوچرخه و استفاده مردان از آن، به تابو بودن این امر برای زنان در اروپای درگیر آداب و رسوم قرن ۱۹ پی می بریم. فضایی که زنان در آن به سبب پوشش چندلایه و آداب اجتماعی خاص امکان حضور انفرادی و آزادانه در جامعه را نداشته و عمدتاً محصور در چند ده متر پارچه، چین و پف در معیت یک همراه با کالسکه آن هم در صورت لزوم در بخش خاصی از جامعه حضور به عمل می رساندند. فرهنگ عمومی اروپای اواخر ۱۸۰۰ و اوایل ۱۹۰۰ نشستن زنان روی زین دوچرخه را نمی پسندید و معتقد بود با این حرکت زنان در ارگاسم دائمی به سر می برند! حتی کار به جایی رسید که برای نشستن زنان روی اسب، زین های یک طرفه ای ساخته شد تا ضمن حفظ پوشش مرسوم، گروهی خاص از زنان امکان اسب سواری آن هم به صورت نمایشی و مقطعی را داشته باشند.

به تدریج و پس از شروع و فراگیری جنبش زنان در اواخر قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ پای دوچرخه نیز به زندگی عمومی زنان باز شد، آن هم با یک شیوه هنجار شکنان در تغییر نوع پوشش! به گونه ای که زنان کم کم از دامن های بلند و ژپون دار برای استفاده از این وسیله کم هزینه، آزاد و ساده به دامن های کوتاه و سپس به شلوار رسیدند. سپری کردن این مسیر تاریخی چند ده سال زمان برد اما نهایتاً به جایی رسید که زنان از طبقات مختلف امکان استفاده از این وسیله راحت، ارزان و سریع را برای حضوری پای پای مردان در جامعه یافتند و به این شیوه یکی از اشکال عدالت اجتماعی که همان آزادی حمل و نقل بود را تحقق بخشیدند؛ اما دو اتفاق تاریخی از دوچرخه ابزاری برای کنشگری و اعتراض ساخت؛ نخست در سال ۱۹۳۳ و پس از قدرت گرفتن هیتلر، به دنبال ارتباط اتحادیه های دوچرخه سواری با احزاب سیاسی مخالف حکومت، هیتلر دستور ضبط دوچرخه ها را از اقصی نقاط کشور صادر کرد و دیگری حضور صدها دوچرخه سوار در اعتراضات میدان تیان من چین در ۱۹۸۹ بود که منجر به زیر کردن دوچرخه ها توسط تانک های حکومتی شد و این حضور تاریخی دوچرخه سواری گروهی در مسیر کنشگری سبب شد که همواره حکومت های توتالیتر دوچرخه سواری را به عنوان چوبی لای چرخ اهداف خود ببینند. از مصادیق معاصر کنشگری با دوچرخه می توان به دوچرخه سواری گروهی پانصد نفر از راهبه های بودائی در ارتفاعات هند، نپال و تبت با شعارهای فمینیسمی نظیر «دختران ما را نفروشید» اشاره کرد که با هدف آگاهی بخشی پیرامون قاچاق زنان در سال های اخیر صورت گرفت.

در ایران هرساله با شروع فصل گرما و استفاده بیش از پیش از پیش دوچرخه توسط عامه مردم شاهد بروز برخوردهای سلیقه ای با دوچرخه سواری



اندیشه



فلسفه و هنر زیستن (۲) معرفی دو کتاب؛ دو شاهکار، دو نمونه

کاظم طبیبی فرد



درخور تحسین نیل گراسمن، نویسنده کتاب «روح اسپینوزا» ماجرای دگر است.

فلسفه اسپینوزا، از جمله فلسفه‌های دشواریاب و پیچیده است که در بدو امر به نظر نمی‌رسد کاری و دغدغه‌ای در ارائه روش زندگی داشته باشد اما گراسمن از آنجایی که باهدف و پیش فرض خود یعنی استخراج روش زندگی به سراغ آن رفته، موفق به ارائه چهارچوبی نظری برای تبیین روش زیستن بر این مبنا شده است.

گراسمن اصول و رئوس فلسفه اسپینوزا را به خوبی و شیوایی اعجاب‌انگیزی تلخیص کرده و پس از آن، در پی به کار بردن هر یک از این اصول در ساختن چهارچوب فکری خوب زیستی کوشیده است. به عنوان مثال، گراسمن، پس از آنکه خدای اسپینوزا را معرفی کرده و فراگیری و تعالی آن را نشان داده، ما را به تسلیم در برابر جبر مطلق او که بر جهان و بر ما حاکم است، توصیه می‌نماید.

اسپینوزا، «همه خدا دان» یا به عبارت دیگر قائل به «وحدت وجود» است و خدا را معادل همه هستی و همه آنچه در آن است، می‌داند. به گمان اسپینوزا، خداوند یک شخص انسان‌وار نیست. خدا به گمان او عبارت است از مجموعه کل هستی؛ یعنی چنانکه تمام هر آنچه بوده، هست و خواهد بود را به عنوان یک کل و یک مجموعه در نظر آوریم، این کلیت فراگیر

چنانکه در قسمت قبلی همین نوشتار عرضه شد، آموزه‌های اپیکوری، تلقی و خوانش آدوئی از تاریخ فلسفه مشتکی ست نمونه خروار. حتی اگر غایت و هدف فعالیت فلسفه و ذات هویتی آن نبوده باشند، سراغ جستن از چنین تلاش‌هایی در طول تاریخ فلسفه کار چندان دشواری نیست. برخی نحله‌ها و فلاسفه، همچون اپیکوریان، رواقیون و یا حتی کلیون به صراحت در پی چنین هدف‌هایی هستند و برخی دیگر از حکمت‌ها و فلسفه‌ها دارای چنین پتانسیلی در بطن خویش‌اند تا جاییکه اگر باهدف استخراج روش زندگی به سراغشان برویم و به بازخوانی آن‌ها بپردازیم، دست‌خالی بر نخواهیم گشت.

اینک برای اثبات این مدعای خود به معرفی و مقابله دو اثر مهم که در بازار نشر زبان فارسی با اقبال عمومی درخوری مواجه شده‌اند، می‌پردازم؛ از یک سو کتاب «فلسفه‌ای برای زندگی» اثر ویلیام اروین و در مقابل، کتاب «روح اسپینوزا» نوشته نیل گراسمن.

کتاب «فلسفه‌ای برای زندگی» آن گونه که از نام فرعی آن پیداست، آموزه‌های فلسفی را برای زندگی انسان امروزی بازخوانی و تدوین می‌نماید و کتاب «روح اسپینوزا» با مذاقه و غور در فلسفه اسپینوزا، از حکمت و فلسفه اسپینوزا، راه و روش نیک زیستی را استخراج می‌نماید.

کتاب ویلیام اروین، «فلسفه‌ای برای زندگی» را نام فرعی آن، «رواقی زیستن در دنیای امروز»، با ایجاز اما کامل معرفی می‌کند چون این کتاب چنانکه از نامش پیداست، در تلاش است که آموزه‌های مکتب رواقی را برای اعمال در زندگی امروزی مان‌روزآمد نماید.

نویسنده در بخش اول و پس از مقدمه‌ای که طی آن، به ایجاز، هدف و روش خود را بیان کرده، به منشأ تاریخی رواقی گری اشاره می‌کند و در بخش دوم راهکارهای روان‌شناختی مکتب رواقی را برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: «فکر کردن به اتفاقات ناگوار»، «دوگانه اختیار»، «تقدیرگرایی»، «پرهیز از لذت» و در آخر، «مراقبه و تأمل». این پنج سرفصل، اصلی‌ترین دیدگاه‌های رواقیون را که جنبه روان‌شناختی دارند، بیان می‌کنند و پیداست که این دیدگاه‌های روان‌شناختی از دیدگاه‌های فلسفی و جهان‌بینی و نگرش فلسفی رواقیون منشعب شده است.

بخش سوم کتاب، «توصیه‌های رواقی» نام دارد و برای هر یک از رئوس روان‌شناختی دیدگاه رواقی که در بخش قبل آمد، توصیه‌هایی کاربردی را بیان می‌کند که در گفتار و دستورات حکمای رواقی آمده. بخش آخر، بخش چهارم، «رواقی زیستن در زندگی مدرن»، نتیجه‌گیری صریح از بخش‌های قبل است. سه فصل این بخش که عبارت‌اند از: «افول مکتب رواقی»، «فلسفه رواقی بازنگری شده» و «رواقی زیستن»، سیر مکتب رواقی در تاریخ را، از آن زمان که در میان نحله‌های گونه‌گون فلسفی به حاشیه رانده شد تا سر برآوردن دوباره‌اش را مرور می‌کند و در آخرین فصل، ماحصل همه مطالب را عرضه می‌دارد.

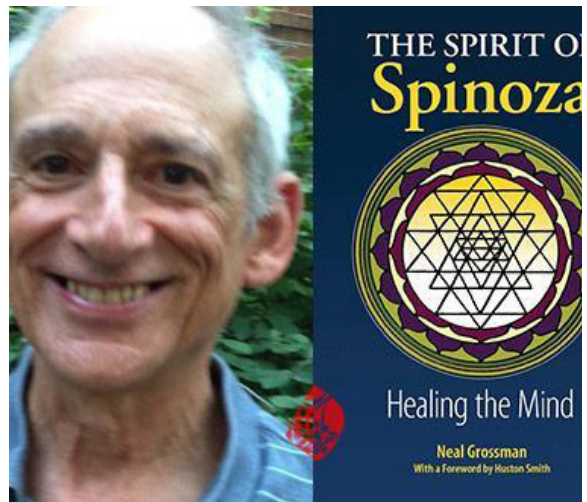
کتاب با فصلی به عنوان «برنامه مطالعاتی» به پایان می‌رسد تا راه را برای طالب رواقی گری و علاقه‌مند به آن گشوده نگه دارد.

با این وصف، شاید بتوان گفت که ویلیام اروین برای معرفی و روزآمدسازی حکمت رواقی جهت ارائه روش زندگی، راه چندان دشواری در پیش نداشته و مفاد و محتوای حکمت رواقی در ذات و ماهیتش چنین است اما تلاش

گراسمن اما، چنین تلاشی نموده و صرف نظر از موفقیت یا شکست، تلاشی نموده که نشانگر وجود امکان استخراج روش زندگی از یکی از فلسفه‌هاست.

تا اینجا، نگارنده، دو گونه از ارتباط فلسفه با نحوه زیستن را به اجمال بیان نموده اما شوق سوم، بسا پربسامدتر، کارآمدتر و به همین منوال راهگشاست. شکل سوم ارتباط میان فلسفه و روش زندگی که عبارت است از به دست آوردن مفاهیم و دانش‌هایی که به کمک آن‌ها و به سبب باور بدان‌ها بتوان چنان عمل نمود که زندگی بایسته‌ای سامان یابد _ چنانکه خواهید دید _ راهگشاست از آن‌اند که ما را در چهارچوب تنگ تاریخی سیر فلسفه محصور کنند. سعادت، فضیلت، لذت، میل و چندی دیگر از مفاهیم، از این جمله‌اند. مفاهیم در ذات خود مفاهیمی انتزاعی و بدین سبب فلسفی‌اند. شهود و تجربه بشری ما، ظن و گمانمان را به سوی چنین مفاهیمی می‌کشاند. گویا نیل به یک یا چند نوع از این مفاهیم و تحقق آن در زندگی، زندگی را بایسته و مطلوب می‌گرداند.

شاید یک زندگی با حداکثر لذت، شاید زیستن فضیلت‌مندانه و شاید زندگی‌ای مطابق کشش و میل درونی همان است که در پیش هستیم و شاید مفهومی دیگر را باید بیابیم و مصداقش را مشخص کنیم. بررسی این مفاهیم را باهدف استخراج رأی در کیفیت فلسفی خوب زیستن، در آینده پی خواهیم گرفت.



همان خداست. از این رو هیچ چیز غیر از خدا وجود ندارد. اسپینوزا استدلال می‌کند، همان گونه که کلیت یک مجموعه چیزی بیش از حاصل جمع تک تک افراد آن مجموعه است، خداوند نیز کلیت یک مجموعه و چیزی فراگیرتر و در عین حال دگر گونه و مستقل از مجموعه موجودات است.

به عنوان مثال، چنانکه مجموعه‌ای فرضی از اعضای بانام‌های A و B تشکیل شده باشد و مجموعه‌ای به نام D را ساخته باشند، چیزی بیشتر و فراتر از A+B است و به هیچ وجه قابل فرو کاهش به تک تک آن‌ها نیست. D به خودی خود دارای هویت است و اگر چه از اجزایی تشکیل شده، لیکن نمی‌توان هستی آن را به اجزایش فرو کاهید و گفت که D همان اجزایش است. اجزاء تشکیل دهنده D هر یک هویت مستقل خود را دارند و فی نفسه و به خودی خود همان D نیستند.

با چنین فهم و تلقی‌ای از خدای اجزاء جهان هستی، اگر چه هر کدام هویت مخصوص به خود را دارا هستند، منفک از دیگر اجزاء و سرنوشت آنان نبوده و نمی‌توانند اختیاری کامل داشته باشند.

به گمان اسپینوزا، انسان نیز به عنوان یک عضو از کل هستی، پاره‌ای و جزئی از خداوند است در حالی که خود خدا نیست. انسان نیز در این کلیت اختیاری از خود ندارد و سرنوشتش دستخوش سرنوشتی است که بر مجموعه کل هستی تحمیل می‌شود.

عوامل گوناگون داخلی و محدودیت‌های جسمی، از یک سو و تأثیرات دیگر اجزاء هستی، از سوی دیگر، انجام عمل و حصول نتیجه‌ای را بر بشر تحمیل می‌نماید. از این رو، تأسف، سرزنش و احساس گناه برای یک انسان بی معنی است و او را چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست. پس مطابق الهیات و مابعدالطبیعه اسپینوزا، زندگی مطلوب و نیکو، در رضایت و تسلیم به سرنوشت حاصل می‌شود. انسان تسلیم به اراده خدا، از فشار تکلیف و عذاب ناتوانی در ادای آن رهاست و با طیب خاطر و در نهایت آرامش می‌زید. فقط کافی است که به نقش و جایگاه خود آگاه بوده، از تلاطم و تقالید بیهوده پرهیز نماید.

گراسمن بعد از بیان این رأی الهیاتی اسپینوزا، با ارائه تمرین عملی، راه دستیابی به آرامش و سکون قلبی را نشان می‌دهد و فواید چنین اقدامی را به لحاظ روانشناسی و سلامت روان پرمی‌شمارد.

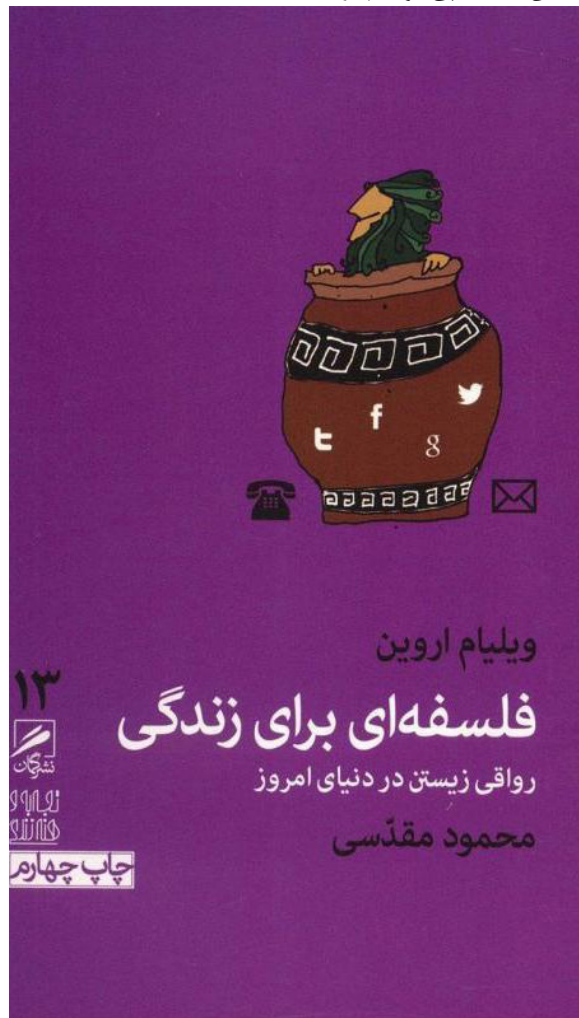
شاید هر علاقه‌مند به فلسفه و هر آموزنده و دانش‌آموخته فلسفه، الهیات و مابعدالطبیعه، دیدگاه و فلسفه اسپینوزا را بخواند و با آن همدلی یا حتی مخالفت نماید اما کمتر کسی با مخاطب قرار دادن حکمت و فلسفه اسپینوزا در پی یافتن پاسخ به پرسش از چگونگی خوب زیستن برآمده باشد یا برآید.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱



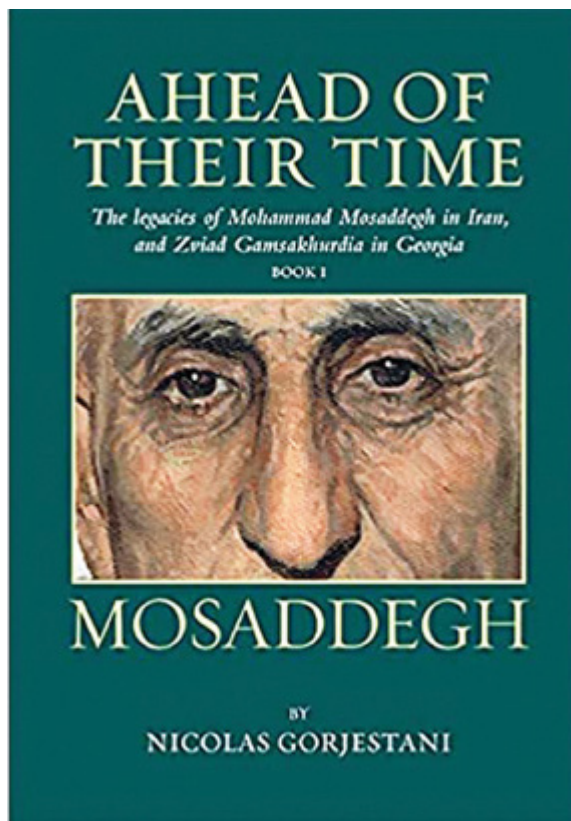
میراث دکتر محمد مصدق سوسیال دموکراسی ایرانی

(این مقاله در روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۵۴۶۴ به تاریخ ۱۱ خرداد ۱۴۰۱ منتشر شده است.)

انگلیسی‌شان وجود داشت. علاوه بر این، انگلیسی‌ها از طریق دیپلمات‌هایشان، شرکت نفت ایران و انگلیس و همین‌طور شبکه گسترده متحدان و کارگزاران خود در ایران، به‌طور ساختاریافته در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند؛ تا جایی که غالباً نخست‌وزیران را انتخاب می‌کردند و کنترل سیاست‌های دولت را در دست داشتند. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بخش زیادی از خاورمیانه را به ارث برده و از طریق قرارداد سایکس-پیکو منطقه را به قلمروهای تحت نفوذ و کنترل خود تقسیم کرده بودند. در این میان، اتحاد جماهیر شوروی به دلیل وجود مرز ۱۵۰۰ کیلومتری با ایران از طریق تهدید به مداخله نظامی و همچنین هدایت اعضای کمونیست حزب توده، اعمال نفوذ می‌کرد. برای مثال، برخلاف توافق با آمریکا و انگلیس، شوروی پس از پایان جنگ جهانی دوم حاضر به خروج از خاک ایران نشد و در نهایت با اتمام حجت ترومن، رئیس‌جمهور آمریکا، بالاچار خاک ایران را ترک کرد.

در عرصه داخلی، اگرچه ایران در جنگ جهانی دوم موضع بی‌طرفی اتخاذ کرده بود و در آن شرکت نکرد، اما این جنگ بر اقتصاد کشور تأثیر منفی گذاشته بود. به‌رغم درآمدهای نفتی قابل توجه، کشور از فقر مطلق، رشد کند بخش غیرنفتی و فساد سامانمند که خزانه ملی را خالی می‌کرد، رنج می‌برد. از منظر سیاسی، کشور شاهد درگیری میان سه گروه عمده بود. در گروه اول یعنی راست‌گرایان، نخبگان متحد با دربار، ارتش و شخصیت‌های محافظه‌کار که عموماً نزدیک به منافع انگلستان بودند، قرار داشتند. در جبهه مقابل راست‌گرایان، حزب توده قرار داشت که تحت هدایت و کنترل شوروی بود و از ایده‌های مرتبط با مبارزه طبقاتی حمایت می‌کرد. در جبهه سوم که جبهه مترقیان بود، نیروهایی قرار داشتند که حول محور جبهه ملی، به رهبری دکتر مصدق ائتلاف کرده بودند و از احزاب مختلفی تشکیل می‌شدند که از حاکمیت ملی و به‌طور کلی سیاست‌های لیبرال حمایت می‌کردند. در این شرایط، دکتر مصدق اصرار داشت که طبق اصول قانون اساسی شاه باید سلطنت کند، نه حکومت. همچنین مصدق برای پایان دادن به استثمار استعماری ایران از سوی انگلیس، صنعت نفت را ملی کرد. به همین دلیل، به‌واسطه کودتایی که از سوی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس سازمان‌دهی شده بود، در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ سرنگون شد و به جرم خیانت، محاکمه و به سه سال زندان محکوم شد. او بقیه عمر خود را در حبس خانگی و تبعید اجباری، در خانه روستایی‌اش در احمدآباد گذراند و در سال ۱۳۴۵ در بیمارستان نجمیه تهران درگذشت و در خانه احمدآباد به خاک سپرده شد.

میراث دکتر مصدق عموماً با ملی سازی صنعت نفت ایران آمیخته شده است. این ملی سازی در دورانی که هنوز استعمار بریتانیا در منطقه مسلط بود، اقدامی مهم در جهت تأکید بر حاکمیت ملی ایران به شمار می‌رفت. با این حال اقدامات مصدق فراتر از این بود. او را باید علاوه بر ملی شدن نفت، به خاطر اصلاحات جسورانه‌ای که در داخل کشور به انجام رساند به یاد آورد؛ اصلاحاتی که برای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی او باهدف کاهش وابستگی ایران به صادرات نفت و توزیع منصفانه‌تر درآمد و ثروت حیاتی بود. در متن پیش رو به اختصار به تشریح نظام



جستارگشایی

دکتر محمد مصدق اولین نخست‌وزیر ایرانی بود که به شکل دموکراتیک انتخاب شد. دوران نخست‌وزیری او (۱۳۳۰-۱۳۳۲) با فضای سیاسی و ژئواستراتژیک بسیار پیچیده و آشفته‌ای مصادف شده بود. در عرصه بین‌الملل، پایان جنگ جهانی دوم قدرت جدیدی به نام آمریکا را وارد منطقه کرد که با بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی (و روسیه پیش از ۱۹۱۷) رقابت می‌کرد. دو قدرت قدیمی، نزدیک به دو قرن عامل مسلط بر زندگی سیاسی و اقتصادی ایران بودند و در آنچه بازی بزرگ نامیده می‌شد، دخالت داشتند. انگلیسی‌ها با سلطه امپریالیستی و نقش کلیدی در بازارهای بین‌المللی نفت، قدرت اصلی منطقه بودند و از طریق یک امتیاز انحصاری، صنعت نفت ایران را کنترل می‌کردند. شرکت نفت ایران و انگلیس نه تنها استخراج نفت و منافع حاصل از آن را کنترل می‌کرد، بلکه با همکاری سایر اعضای کارتل بین‌المللی نفت، قیمت آن را در سطح جهانی تعیین می‌کرد.

مضاف بر این، شرکت نفت ایران و انگلیس تنها بخشی از سود خود را با ایران تقسیم می‌کرد. تفاوت زیادی هم در شرایط کار و زندگی اکثر کارمندان و کارگران ایرانی که در تأسیسات این شرکت مشغول به کار بودند، نسبت به هم‌تایان



هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۴۰
۲۳ خرداد ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

همچنین در مجلس چهاردهم وی در بحث اصلاح نظام مالیاتی اظهار کرد که قانون مالیات بر درآمد آن زمانه میل به تولید و انگیزه برای فعالیت اقتصادی را کاهش خواهد داد و در نتیجه افزایش واردات و کاهش صادرات و رشد را در پی خواهد داشت. به طور کلی، رویکرد دکتر مصدق در امور اقتصادی به سوی بازار آزاد بود؛ اما در عین حال، در مقابل تمرکز سرمایه که می توانست به استثمار منجر شود، ایستادگی می کرد. در مورد مسئله عدالت دکتر مصدق چنین استدلال می کرد که نباید سرمایه را متمرکز و برخی افراد را بی جهت ثروتمند کرد و نابرابری بی مورد در جامعه ایجاد کرد. همچنین در شرایط خاص، از جمله ملی شدن برخی از فعالیت های اقتصادی (مانند نفت و خدمات عمومی) دکتر مصدق نقشی حیاتی برای دولت قائل بود. بر این اساس، او طرفدار ملی شدن صنایع استراتژیک و همچنین خدمات عمومی کلیدی بود. این دیدگاه او با رویکردهای سیاسی که در اروپا پس از جنگ جهانی دوم رایج بود (برنامه ریزی دولتی و ملی سازی ها) هماهنگ بود.

در نهایت، دکتر مصدق به منظور اصلاح ساختارهای دولتی و پیش بردن کشور به سوی «سوسیال دموکراسی ایرانی»، قدرت قانون گذاری را از مجلس دریافت کرده (قانون اختیارات) و چند قانون متریقی را ابلاغ کرد. سرعت تدوین و تصویب قوانین اصلاحات بی سابقه بود؛ او در طول تقریباً یک سالی که اختیار کامل داشت، ۲۰۳ قانون را ابلاغ کرد؛ یعنی تقریباً هر دو روز یک قانون. در حوزه سیاسی، نزدیک به یک دوجین قانون و ابتکارات قانونی تدوین شد تا نهادهای فرآیندها دموکراتیزه شوند (مثلاً از طریق انتخابات آزادتر و عادلانه تر) و آزادی مطبوعات، احترام به آزادی های اجتماعی و ... ارتقا یابند. از این رو بدون شک، مردم ایران در این مدت آزادترین دوره را در تاریخ معاصر کشور تجربه کردند. توضیحات پیش رو به طور خلاصه برخی از نوآورانه ترین و اثر گذارترین ابتکارات و اصلاحات دکتر مصدق را در حوزه های اقتصادی و اجتماعی شرح می دهد.

ابتکارات و اصلاحات اقتصادی

اصلاحات اقتصادی دکتر مصدق در شرایط چالش برانگیزی صورت گرفت. نخست، اگرچه ایران در جنگ جهانی دوم موضع بی طرفی اتخاذ کرده بود و در آن شرکت نکرد، اما این جنگ بر اقتصاد ایران تأثیر منفی گذاشته بود. به رغم درآمدهای نفتی قابل توجه، کشور از فقر مطلق و شرایط دشوار اقتصادی، از جمله رشد آهسته بخش های غیر نفتی و فساد سامانمند که خزانه ملی را خالی می کرد، رنج می برد. دوم، در پی ملی سازی صنعت نفت، اقتصاد ایران با یک شوک خارجی بزرگ در قالب تحریم های سنگین تجاری و مالی بریتانیا مواجه شد و بندرها کشور محاصره و مسدود شد. تحریم ها درآمدهای ارزی را به شدت کاهش داده و اقتصاد را در خطر افتادن به ورطه رکود شدید و ابرتورم قرار داده بود. سوم، انگلیسی ها از دوران قاجار به کنترل نخست وزیران و دخالت در امور داخلی ایران عادت داشتند. این مداخله با فعالیت مخالفان داخلی، که عموماً هم پیمان انگلیس بودند و با آن منافع مشترکی داشتند، همراه و به بی ثباتی دولت مصدق منجر می شد. در نهایت، دولت مصدق برای اصلاحات خود نمی توانست روی کمک اقتصادی قابل توجهی از سوی خارج حساب باز کند.

در مقابله با تحریم های خارجی، دو گزینه اساسی موجود است: «سیاست منفعل» (با دور زدن تحریم ها در چارچوب سیاست های موجود تا حد امکان در برابر فشار مقاومت کردن)؛ یا «سیاست فعال» (اجرای سیاست های جدید برای تعدیل ساختاری و افزایش تاب آوری اقتصاد در برابر فشار). دکتر مصدق برای مقابله با چالش ها برنامه اصلاحی جسورانه و «فعال» را دنبال کرد: تعدیل ساختاری برای مقابله با شوک خارجی، کاهش اثر تحریم ها بر اقشار کم درآمد، ایجاد ثبات در اقتصاد و پی ریزی یک مسیر پایدار برای رشد اقتصادی از طریق متنوع سازی اقتصاد که پیش از آن به شدت به نفت وابسته بود.

اقتصاد بدون نفت بدیع ترین مفهوم سیاستی مصدق به شمار می آمد. به طور

ارزشی و فلسفه حکومت مداری دکتر مصدق می پردازد و همچنین اصلاحات و ابتکارات اقتصادی و اجتماعی مهم او را در طول دوره پرفرازونشیب نخست وزیری ۲۷ ماهه اش، تشریح می کند.

ارزش ها و فلسفه حکومت مداری

نظام ارزشی دکتر مصدق تلفیق متعادلی از مدرنیته و سنت های نیرومند ایرانی بود. او یک فرزند خلف ایرانی ضد استعماری عصر روشنگری بود، با تأکید بر «خلف» و «ایرانی» و «ضد استعماری». او همچنین به درستی مدرنیته را فرآیند دیگری دهنیت ها و ارزش ها می دانست. بر همین اساس، او میان مدرنیزاسیون یا نوین سازی به عنوان یک سازه ساختاری و مدرنیته یا نوگرایی به عنوان یک مفهوم ذهنی تمایز قائل شد. از این رو می توان مدرنیزاسیون ساختاری را دنبال کرد، بدون آنکه الزاماً نظامات ارزشی و قوانین اجتماعی را دگرگون ساخت. این وضعیت را می توان «شبه مدرنیته» یا «نوگرایی و انموودین» نامید.

بسیاری از معاصران دکتر مصدق (مانند رضاشاه) برای مدرن شدن در دام قوانین استبدادی می افتادند، بدون آنکه لزوماً به مدرن شدن بینجامد. فلسفه حکومت مداری دکتر مصدق را می توان در چهار رهنمود او خلاصه کرد: «حاکمیت ملی»، «دموکراسی»، «عدالت» و «توانمندسازی». سه سخن از مصدق این فلسفه را به طور خلاصه بیان می کند:

* هیچ آزادی بدون حاکمیت ملی ممکن نیست.

* ایران تنها از طریق دموکراسی و عدالت اجتماعی قابل اصلاح و اداره است. * اگر می خواهید کشور را اصلاح کنید، به جای گفتن اینکه «اصلاحات را انجام می دهیم و اگر آن را نمی پسندی دستگیرت می کنیم»، باید افراد جامعه را مشارکت دهید و جامعه را وارد فرآیند اصلاحات کنید.

رویکرد دکتر مصدق به حکومت مداری، مردم محور بود، نه ایدئولوژیک. او از هیچ «ایسمی» پیروی نمی کرد. برای او تنها یک «ایسم» وجود داشت و آن میهن دوستی بود. نزدیک ترین مکتب فکری سیاسی به فلسفه او «سوسیال لیبرالیسم» اروپایی و مفهوم «شهروندی اجتماعی» توماس مارشال است. به طور خلاصه دکتر مصدق یک «سوسیال دموکراسی ایرانی» را مدنظر داشت. ایده آل ها و اصول دکتر مصدق زیربنای بسیاری از ابتکارات و نوآوری های سیاسی بود که او در دوران نخست وزیری اش انجام داد. برای مثال، اصل «حاکمیت ملی» نیروی محرکه طرح های ملی سازی صنعت نفت، دکنترین موازنه منفی و سیاست اقتصاد بدون نفت بود. به همین ترتیب اصل «عدالت» الهام بخش اقدامات او برای تدارک نظام ملی تأمین اجتماعی برای کارگران، پایان دادن به بندگی و بیگاری دهقانان، حمایت از فقرا و ترویج رشد عادلانه توأم با رفاه همگانی بود؛ و به طور مشابه، اصل «توانمندسازی» تکاپوی او برای ارتقای مشارکت شهروندان در فرآیند توسعه را به واسطه دادن حق اظهار نظر به مردم از طریق شوراهای روستایی و محلی پاسخ داد.

دکتر مصدق به مورد عدالت اجتماعی و سواسی داشت که بر موضع گیری های او در مسائل اقتصادی تأثیر می گذاشت. اگرچه او خود اشراف زاده و مالک بود، اما به ویژه نگران زیاده روی در روابط مالک و دهقان (مانند بیگاری، هزینه های اخاذی و غیره) و نابرابری ذاتی در پویایی قدرت بود که بر اکثریت مردم تأثیر می گذاشت (به خصوص در مناطق روستایی و در اموری که زندگی آن ها را تحت تأثیر قرار می داد، مردم ایران صدایی نداشتند). دکتر مصدق اگرچه اقتصاددان نبود، اما در خلال سخنرانی های خود مواضعی را در مورد چند موضوع مهم اقتصادی آن زمان بیان کرد که نشان از درک خوب او از مفاهیم اقتصادی داشت. به طور مثال، او در مجلس ششم با انحصار دولت در تجارت تریاک مخالفت کرد. استدلال اصلی او این بود که تجار بخش خصوصی فعال در بازارهای بین المللی و نه دولت، بهترین موقعیت را برای تعیین قیمت کالاها و معامله شده بر اساس عرضه و تقاضا دارند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

خلاصه ایده این بود که اقتصاد با نادیده گرفتن نفت به عنوان منبع درآمدهای ارزی و تأمین کننده مالی مخارج عمومی اداره شود. به طور مشخص، برنامه دولت پنج هدف را دنبال می کرد:

- ارتقای صادرات غیرنفتی و جایگزین کردن محصولات وارداتی با تولیدات داخلی
- محدود کردن واردات غیر ضروری
- تحکیم مالی (کاهش کسری بودجه دولت و انباشت بدهی)
- کنترل تورم
- کاهش فقر

ابزارهای سیاستی این برنامه شامل نرخ ارز منعطف، تجهیز درآمدهای مالیاتی غیرنفتی، محرک های مالی، مقررات معقول و ترتیبات نهادی جدید می شد. نتایج فوری و کوتاه مدتی که در پی انجام این اصلاحات مشاهده شد، خلاصه وار در متن پیش رو مورد اشاره قرار گرفته است.

واردات: در دوره ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲، تعدیل نرخ ارز، به ویژه افزایش ۵۰ درصدی نرخ ارز مؤثر (نرخ رسمی ارز به علاوه هزینه گواهی مبادله) ۳ تأثیر بسزایی در حجم و ارزش واردات و همچنین قیمت کالاهای وارداتی، به ویژه کالاهای لوکس داشت. حجم واردات در این دوره حدود ۴۰ درصد و ارزش واردات حدود ۲۰ درصد کاهش یافت (جدول یک). قیمت های ریالی کالاهای وارداتی حدود ۵۵ درصد افزایش پیدا کرد که نشان دهنده کاهش قیمتی قابل توجهی در واردات بود. این اعداد و روندها حاکی از آن است که پاسخ تقاضا به افزایش قیمت های نسبی واردات قابل توجه و قوی بود. علاوه بر این، مشوق های در نظر

گرفته شده برای تولید داخلی نه تنها به جایگزینی قابل توجه واردات به ویژه در کالاهای کشاورزی منجر شد، بلکه صادرات آن ها را نیز افزایش داد. برای مثال، در سال ۱۳۲۹ ایران ۱۰۷ هزار تن گندم و ۳۵ تن جو وارد کرده بود. در سال ۱۳۳۲ نه تنها واردات این دو محصول عملاً متوقف شده بود، بلکه برای اولین بار صادر شدند (۴۸۰ تن گندم و ۱۲۵۰۰ تن جو). وضعیت مشابهی در مورد حبوبات و برنج به وقوع پیوست. گذشته از این، هر چند کمبود ارز تأثیر منفی قابل توجهی بر واردات کالاهای لوکس داشت، اما این تأثیر منفی بر واردات ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای مورد نیاز برای ادامه فعالیت های اقتصادی به مراتب کمتر بود؛ این مسئله عمدتاً به دلیل رشد مبادلات تهرانی اتفاق افتاد که به شکل ویژه بر ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای متمرکز شده بود. مضاف بر این سمت و سوی واردات کاملاً تغییر کرد. برای مثال سهم بریتانیا و هند ۵۰ درصد و سهم آمریکا ۲۵ درصد کاهش یافت؛ در حالی که سهم آلمان و شوروی دو برابر شد.

صادرات: صادرات غیرنفتی به ابزارهای سیاستی به کار گرفته شده مانند کاهش ارزش پول و سایر مشوق ها به خوبی پاسخ داد. روی هم رفته ارزش صادرات غیرنفتی،

بسته به منابع داده ها و روش های مختلف ارزش گذاری بین ۴۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش یافت (جدول یک). همچنین حجم محصولات صادراتی بیش از دو برابر شد و ۱۳۰ درصد رشد را تجربه کرد. علاوه بر این، ارزش یا حجم محصولات کلیدی و مهم غیرنفتی در اکثر موارد بالا رفت و در برخی موارد، مانند فرش و خشکبار تا چهار برابر نیز افزایش یافت.

تراز پرداخت ها: در آخرین سال نخست وزیری دکتر مصدق، به رغم فقدان درآمدهای نفتی، تراز پرداخت های ایران به وضعیت پایداری دست یافت که چهار روند زیر آن را تأیید می کند. نخست اینکه کسری حساب جاری هیچ گاه از سطح ۲ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر نرفت. دوم، توافق نامه های تجارت تهرانی به تضمین عرضه کافی کالاهای وارداتی ضروری شامل ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای کمک کرد و به بهبود تراز تجاری ایران منجر شد. برای مثال، طی سال های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲، تراز تجاری معاملات تهرانی به نفع ایران تغییر کرد؛

تجارت با فرانسه و شوروی از تراز منفی به تراز مثبت دگرگون شد و تراز تجاری با آلمان شاهد رشد ۱۰ برابری به سود ایران بود. سوم، در دوره مصدق هر چند ذخایر ارزی ایران از ۲۵۰ میلیون دلار به ۱۷۲ میلیون دلار کاهش یافت اما هیچ گاه به کمتر از میزان واردات دوازده ماهه نرسید. چهارم، برخی استدلال کرده اند از آنجاکه اسکناس های ریال باید توسط ذخایر ارزی پشتیبانی می شدند، ذخایر ارزی قابل استفاده بسیار کمتر بوده است. در واقع، حتی در این صورت نیز ذخایر ارزی قابل استفاده کفاف ۳/۵ تا ۳/۹ ماه واردات کشور را می داد. در آن زمان این سطح ذخایر از نظر استانداردهای رایج در اروپا کافی بود.

دستآورد مالی: دولت مصدق به رغم محدودیت های عمده توانست ۲۷ ماه بر سر کار باشد؛ تقریباً هیچ درآمدی از فروش نفت نداشت (در این دوره تنها در حدود ۱۲۰ هزار تن نفت به فروش رسید)، کمک های خارجی قابل توجهی دریافت نکرد (تنها از دولت آمریکا ۳۵ میلیون دلار دریافت کرد؛ در مقایسه با دولت زاهدی که پس از کودتای سال ۱۳۳۲ بر سرکار آمد و تنها برای یک سال ۱۰۰ میلیون دلار کمک دریافت کرد) و مجبور بود تا هزینه فعالیت و نگهداری تأسیسات نفتی را پرداخت کند که یک چهارم هزینه های جاری دولت را تشکیل می داد.

پنج نکته پیش رو چشم انداز گسترده تری از عملکرد دولت او به نمایش می گذارد. نخست، با وجود از دست دادن درآمدهای نفتی، سیاست های دولت در تجهیز درآمدهای غیرنفتی برای جلوگیری از کسری های عمیق جاری، مؤثر و کارآمد بود (برای مثال تأسیس پلیس گمرک به افزایش ۲۰ درصدی درآمدهای گمرکی کمک کرد). دوم، دولت به طور کلی موفق به کنترل رشد هزینه ها شد و ۳ درصد مخارج نظامی را به بخش های اجتماعی باز تخصیص داد. سوم، کسری بودجه در سطح قابل مدیریت باقی ماند (حدود ۲ درصد تولید ناخالص داخلی) و به طور کلی قابلیت تأمین مالی غیرتورمی داشت. چهارم، در نخستین سال نخست وزیری دکتر مصدق، دولت تقریباً به طور خاص بر ابزارهای غیرتورمی تأمین کسری بودجه مانند فروش ۱۴ میلیون پوند از ذخایر ارزی و دریافت ۸/۷۵ میلیون دلار تسهیلات از صندوق

جدول ۱: صادرات غیرنفتی و واردات ایران طی سال های

۱۳۲۹-۱۳۳۳

(به میلیارد ریال)

صادرات غیرنفتی

واردات

مطالعه ۱	مطالعه ۲	مطالعه ۱	مطالعه ۲
۱۳۲۹ (۵۱-۱۹۵۰)	۷/۱	۷/۰	۲/۱
۱۳۳۰ (۵۲-۱۹۵۱)	۷/۴	۵/۷	۲/۷
۱۳۳۱ (۵۳-۱۹۵۲)	۵/۲	۳/۸	۲/۸
۱۳۳۲ (۵۴-۱۹۵۳)	۵/۷	۵/۶	۳/۰
۱۳۳۳ (۵۵-۱۹۵۴)	۸/۰	۷/۶	۳/۹

دوره نامه صبح ایران



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

بیشتر مطالعات بر این باورند که درآمد سرانه واقعی در دوران مصدق به احتمال زیاد کمابیش ثابت باقی مانده است.

ادعای منتقدان مصدق مبنی بر اینکه اقتصاد در رکود شدیدی به سر می برده اغراق آمیز است و با روندهای مستند و نظر تحلیلگران مستقل در تناقض است. برای مثال یک تحلیل آمریکایی (سازمان سیا) که دقیقاً یک هفته پیش از کودتا منتشر شد، نتیجه می گیرد: «به رغم اینکه ممکن است مصدق برای تأمین هزینه های جاری به چاپ پول متوسل شود، بعید است که مشکلات مالی بتواند به بحران منجر شود. وضعیت محصولات کشاورزی خوب است، سطح کلی فعالیت های اقتصادی تقریباً نرمال است و نشانه های مبنی بر اینکه تورمی که بروز یافته به زودی از کنترل خارج خواهد شد مشاهده نمی شود.»

علاوه بر این، شواهد ارائه شده در کتاب نشان می دهد که نه تنها سطح فعالیت های اقتصادی به طور کلی کاهش پیدا نکرده، بلکه ممکن است در بعضی بخش های کلیدی افزایش نیز یافته باشد. برای مثال، در دوران مصدق در بخش کشاورزی، تولید پنبه به طور متوسط سالی ۲۵ درصد افزایش یافته است؛ این عدد برای چغندر قند ۱۴ درصد، گندم (محصول کلان) ۷/۵ درصد، جو ۵ درصد و برنج ۴ درصد به ثبت رسیده است. به طور مشابه در بخش تولید نیز برخی شرکت ها در غیاب واردات و رقبای خارجی عملکرد بسیار خوبی داشتند (به عنوان مثال یک برند جدید اچاق و بخاری نفت سوز با نام عالی نسب، با موفقیت راه اندازی شد و با کالاهای وارداتی مانند برند کالری فیکس رقابت کرد). از آنجاکه در آن زمان ایران به طور محدود صنعتی شده بود، احتمال اثر کاهش ارزش پول بر طرف عرضه، به جز بخش کشاورزی، هنوز نسبتاً کم بود. با این حال اگر به این سیاست ها اجازه داده می شد که ادامه پیدا کنند، در صورت تداوم، در طول زمان احتمالاً به اقتصاد متنوع تری منجر می شد. در دوران مصدق، بخش خصوصی فعال در حوزه صنعت در مراحل ابتدایی خود قرار داشت؛ اما در صورت تداوم سیاست ها و حفظ ثبات فضای سیاسی می توانست به تدریج توسعه پیدا کند.

به طور مشابه، در حالی که ممکن است کاهش اندکی در واردات ماشین آلات و کالاهای سرمایه ای رخ داده باشد، روی هم رفته سطح تشکیل سرمایه ناخالص داخلی نسبتاً ثابت باقی مانده است. با این حال، بیشتر روندهای خرد افزایش فعالیت های اقتصادی را نشان می دهد: تعداد شرکت های ثبت شده ۱۷ درصد افزایش داشت؛ تعداد شرکت های معدنی (در راستای افزایش صادرات محصولات معدنی) بیش از دو برابر شد؛ تعداد شرکت های خدماتی ۱۳ درصد رشد کرد؛ شمار کارگاه های صنعتی ۳۵ درصد افزایش یافت؛ ترافیک ریلی، چه به صورت مسافر و چه به صورت بار تا ۳۵ درصد بالا رفت؛ تخلیه بار در راستای کاهش واردات ۱۰ درصد کاهش یافت، در حالی که بارگیری اسکله ها دو برابر شد که حاکی از رشد قابل توجه صادرات غیرنفتی است. علاوه بر این واردات خودرو و کامیون نیز ۳ تا ۴ درصد افزایش یافت. در همین دوران ۱۵۷ هزار واحد مسکونی برای اقشار کم درآمد تکمیل شد و هفت بانک جدید، شامل سه بانک در بخش خصوصی (شامل بانک صادرات و معادن ایران، بانک پارس و بانک تهران که مورد آخر با مشارکت سرمایه گذار خارجی از فرانسه تأسیس شد) و چهار بانک توسعه ای (بانک ساختمانی، بانک عمران، بانک توسعه صادرات و بانک بیمه بازرگانان) آغاز به کار کرد.

روندهایی که ذکر شد مواردی نیستند که به طور معمول بتوان آن ها را به اقتصادی ارتباط داد که در شرایط بحرانی شدید قرار دارد. به طور کلی استراتژی اقتصاد بدون نفت در جهت مقاوم کردن اقتصاد در برابر شوک خارجی ناشی از تحریم های بریتانیا و از دست دادن درآمدهای ارزی موفق بود. این یک «برنامه تعدیل ساختاری» ایرانی بود که سه دهه پیش از اجرای برنامه های مشابهی که از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی حمایت می شوند، به اجرا درآمد. از قضا دولت دکتر مصدق نسخه خود از تعدیل ساختاری را بدون هرگونه کمک فنی و مالی از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اجرا کرد. علاوه بر این،

بین المللی پول متکی شد. در طول سال دوم، دولت اوراق قرضه ملی منتشر کرد؛ اما این تلاش به طور کامل به موفقیت نرسید و تنها در حدود یک چهارم اوراق مورد نظر به فروش رفت. در حالی که به طور کلی این طرح با استقبال مشتاقانه گروه های با درآمد کم و متوسط جامعه مواجه شد، از سوی عناصری که عمدتاً مرتبط با دربار یا نخبگان سنتی بودند مورد تحریم واقع شد. پنجم، دولت مجبور شد اجرای پروژه های بزرگ عمرانی ذیل برنامه هفت ساله توسعه ۱۳۳۵-۱۳۳۸ را به تعویق بیندازد. بدون شک این مسئله موجب کند شدن رشد بالقوه اقتصادی شد و بهبود ظرفیت های اقتصادی برای ایجاد شغل و برون رفت افراد از فقر را سخت تر کرد.

رشد نقدینگی: در طول ۱۵ ماه ابتدایی دولت مصدق، به سختی بتوان رشد نقدینگی خاصی را مشاهده کرد؛ اما در سال دوم، دکتر مصدق سیاست کینزی را در پیش گرفت. گرچه سیاست اقتصادی مصدق مداخله محور نبود، اما او توصیه های دکتر شاخص، وزیر اسبق اقتصاد آلمان، مبنی بر تحریک تقاضا و پولی کردن کسری ها را پذیرفت. بر همین اساس مصدق دستور افزایش ۴۰ درصدی اسکناس های در حال گردش را صادر کرد که به افزایش نقدینگی منجر شد. با این وجود، سرعت رشد نقدینگی در دوران مصدق، در مقایسه با آنچه ایران در طول ۷ ماهه اول دولت زاهدی تجربه کرد به مراتب کمتر بود.

تورم: یکی از ادعاهایی که به طور مداوم از سوی منتقدان داخلی و خارجی مصدق تکرار می شود این است که سیاست های او به تورم شدید منجر شده بود. شواهد ارائه شده در کتاب این ادعا را به چالش می کشد. برای مثال، در دوره زمامداری دکتر مصدق شاخص هزینه زندگی به طور متوسط سالانه ۶/۱ درصد افزایش یافت. این عدد با روند تاریخی این شاخص در آن زمان تطابق دارد (برای مثال طی سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ شاخص هزینه زندگی ۷ درصد رشد را تجربه کرده بود). مضاف بر این، در ۲۲ ماه اول دوره نخست وزیری مصدق، شاخص هزینه زندگی به طور متوسط تنها ۴/۱ درصد در سال افزایش یافته است. با این حال، این شاخص در ۵ ماه آخر به طور فزاینده ای رشد کرد و به سطح سالانه ۱۴/۲ درصد رسید؛ این افزایش در درجه اول به خاطر افزایش شدید قیمت کالاهای وارداتی به ویژه اقلام لوکس و پولی شدن کسری های مالی به وقوع پیوست. با این وجود، برای مقایسه طی ۱۲ ماه اول دولت زاهدی که پس از کودتا بر سر کار آمد، هزینه های زندگی ۱۶/۸ درصد بالا رفت. به همین ترتیب، نرخ تورم در کل دوران نخست وزیری مصدق کمتر از نصف تورمی بود که در سال اول دولت زاهدی تجربه شد. از این گذشته، دولت مصدق موفق شد که افزایش قیمت کالاهای داخلی را مهار کند. قیمت این کالاهادر دوران دولت مصدق به طور متوسط ۱۱ درصد در سال افزایش یافت. در مقابل، در اولین سال حکومت دولت زاهدی قیمت همین کالاهای ۲۸ درصد بالا رفت. علاوه بر این، سیاست های به کار گرفته شده از سوی دولت مصدق در مهار افزایش قیمت مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی مؤثر بود و به شکل ویژه بر گروه های کم درآمد اثر مثبت گذاشت. برای مثال، بررسی روند قیمتی ۳۴ قلم کالای خوراکی مفید است: (۱) قیمت ۱۲ قلم از کالاهای ضروری شامل پنیر، شیر، تخم مرغ و برنج کاهش یافته و یا بدون تغییر باقی مانده؛ (۲) قیمت ۱۲ قلم دیگر سالانه ۱۱ درصد افزایش یافته؛ (۳) قیمت تنها ۱۰ قلم از این کالاهای رشدی فراتر از ۱۱ درصد داشت.

رشد اقتصادی: داده های قابل اعتمادی از تولید ناخالص ملی آن دوره وجود ندارد. ۴. با این حال می توان چند برداشت کلی نسبت به روند فعالیت اقتصادی آن زمان انجام داد. بدون شک تحریم ها، کمبود ارز و بی ثباتی سیاسی، فعالیت های اقتصادی را تحت تأثیر قرارداد. با این حال از دست دادن درآمد نفتی، به آن اندازه که وجودش می توانست به موتور رشد اقتصادی کشور تبدیل شود، برای اقتصاد کشور ویرانگر نبود. در آن زمان، اقتصاد کشور کشاورزی محور بوده و درآمدهای نفتی عمدتاً برای تأمین مالی ارتش و هزینه های جاری دولت به کار می رفت. سؤال کلیدی این است که آیا سیاست های اقتصادی دولت دکتر مصدق تأثیر جریان های منفی را کاهش داده و از انقباض بیش از پیش اقتصاد جلوگیری کرده است یا خیر؟



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

سیاست‌های مصدق به تحریک تولید داخلی نیز منجر شد. سیاست‌های دولت به جای یک اقتصاد مصرف محور و اشباع کشور با کالاهای وارداتی (شرایطی که بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم و همچنین پس از سرنگونی مصدق در ایران حاکم شد)، به وضوح برای ارتقای توسعه یک اقتصاد تولید محور طراحی شده بودند.

ابتکارات و اصلاحات اجتماعی

مصدق برخی از بدیع‌ترین و گسترده‌ترین اصلاحات اجتماعی نسل خود را معرفی کرد. دولت سیاست اجتماعی جامعی داشت که اگر سرنگون نمی‌شد می‌توانست پایه‌های یک دولت رفاه را بنا کند. به دید من، سیاست اجتماعی از نظر میزان اهمیت، هم‌اورد ملی شدن صنعت نفت به عنوان مهم‌ترین ابتکار سیاستی مصدق در دوران کوتاه حکومتش به شمار می‌رود. مصدق در یکی از جسورانه‌ترین اقدامات دوران سیاسی خود، اولین نخست‌وزیر ایرانی بود که قوانینی را برای اعطای حق رأی به زنان ارائه کرد. مصدق انتظار داشت این اصلاحات در جامعه‌ای با فرهنگ پدرسالارانه با مقاومت روبه‌رو شود. از این رو از استراتژی هوشمندانه‌ای بهره برد و تنها زنان را از فهرست رأی‌دهندگان غیر واجد شرایط در انتخابات شهرداری‌ها خارج کرد. با این وجود مخالفت شدید عناصر محافظه کار مانع اجرای اصلاحات شد. گرچه مصدق در اعطای حق رأی به زنان به سرعت موفق نشد اما رهبران بعدی بر مبنایی که او بنانهاده بود این کار را انجام دادند. برخی از مهم‌ترین اصلاحات و سیاست‌هایی که به‌طور موفق در حوزه اجتماعی اجرا شدند عبارت‌اند از: توانمندسازی دهقانان؛ اولین قانون که مصدق ذیل اختیاراتش از مجلس صادر کرد مربوط به دهقانان بود. این قانون، بیگاری دهقانان بی زمین برای مالکان که همانند حقوق فئودالی بود را لغو کرد؛ انتخابات شورای روستاها را با رأی مخفی ایجاد کرد و مقرر شد که ۲۰ درصد سهم مالکان از محصولات کشاورزی کسر و به اهداف خاص اختصاص داده شود (نیمی از آن بین دهقانان توزیع و نیمی دیگر به صندوق توسعه اجتماعی جدید واریز شود). روزنامه پرخاش این ابتکار را این گونه ارزیابی کرد که «اجرای این لایحه تا حد زیادی روستاییان را با اصل حاکمیت مردم آشنا می‌کند.»

ارتقای مشارکت شهروندان: دکتر مصدق قانونی را صادر کرد که بر اساس آن اعضای شورای محلی باید از ساکنان همان منطقه و با رأی مخفی انتخاب شوند. پیش از آن اعضای شورا از جامعه محلی نبودند و بیشتر منصوب می‌شدند. همچنین این قانون تصریح کرد که سران اجرایی شورای محلی فقط می‌توانند توسط اعضای شورا انتخاب یا برکنار شوند و نباید همچون گذشته از سوی دولت

مرکزی صورت گیرد. علاوه بر این، پیش‌نویس این قوانین در روزنامه‌ها منتشر شد تا از سوی شهروندان بازخورد دریافت کند؛ اقدامی که در ایران آن زمان و حتی در بیشتر کشورهای پیشرفته بی‌سابقه بود. از این گذشته، در دوران مصدق ۳۰ شورای شهر انتخاب و شروع به فعالیت کردند و ۱۹ هزار شورای ده تأسیس شد. ابتکار مصدق موجب شد تا یکی از نهادهای دموکراتیک انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) احیا شود؛ نهادی که در دوران دیکتاتوری رضاشاه به کما رفته بود (۱۳۰۵ تا ۱۳۲۱). همان گونه که در یکی از روزنامه‌های آن دوران (پرخاش) اشاره شده است، «شوراهای محلی تحقق اصل حکومت مردم بر مردم بود.»

بیمه تأمین اجتماعی کارگران: این ابتکار نگین تاج سیاست اجتماعی مصدق به حساب می‌آید. برای اولین بار در تاریخ ایران، کارگران و خانواده‌هایشان در سطح کشور از حمایت اجتماعی در برابر بیماری‌ها، حوادث، ناتوانی‌های جسمی، بارداری و زایمان، بازنشستگی و... برخوردار شدند. در آن زمان این ابتکار نه تنها در ایران بلکه در اکثر کشورهای در حال توسعه بی‌سابقه بود. حتی در آمریکا نیز نظام ملی تأمین اجتماعی تنها ۱۵ سال قبل از اینکه مصدق آن را در ایران معرفی کند، ایجاد شده بود. برخی از مزایای طرح تأمین اجتماعی ایرانیان نیز در آن زمان بی‌سابقه بود. برای مثال ۶ هفته مرخصی زایمان با دوسوم دستمزد در نظر گرفته شده بود؛ بندی که برای سال‌ها حتی در کشوری مانند آمریکا نیز وجود نداشت.

سخن پایانی

متأسفانه پیش از آنکه دکتر مصدق بتواند برنامه‌هایش را برای ایران به‌طور کامل محقق کند، توسط کودتایی که از سوی سیا و MI۶ هدایت می‌شد، برکنار شد. مصدق هنگامی که در اریکه قدرت بود، با مقاومت شدیدی در برابر اصلاحات تحول‌آفرین روبه‌رو شد. در داخل کشور، او و تشکیلات جبهه ملی که حامی او بودند، از راست، از سوی ائتلافی طرفداران غرب و عناصر محافظه کاری که در برابر اکثر اصلاحات مقاومت می‌کردند و از چپ، از سوی حزب توده که از رویکردهای انقلابی و کمونیستی حمایت می‌کرد تحت فشار بودند. در آن شرایط، اجماع سیاسی برای اصلاحات برجسته اجتماعی ناکام باقی ماند. همچنین در خارج از کشور، قدرت‌های جهانی هنوز آماده آن نبودند تا در مرکز یک منطقه راهبردی و در یک کشور ثروتمند نفتی، یک حاکمیت ملی حقیقی و دموکراتیک را که قادر به کنترل آن نبودند، بپذیرند. علاوه بر این، تحریم‌های شدید اقتصادی خارجی، درآمدهای بالقوه نفت که برای تأمین مالی برنامه‌ها و پروژه‌های تحول‌آفرین مورد نیاز بود را از دسترس خارج کرد. در کمال تعجب، در آن زمان مطبوعات غربی نه تنها برای

یا خود کامه دوره پهلوی، بینش او برقراری یک دولت پیشرو و دموکراتیک بود و به همین منظور اصلاحات راهگشای سیاسی و اقتصادی - اجتماعی مهمی را انجام داد. مصدق همچنین ابر قدرت‌های جهانی را برای پایان دادن به سلطه استعماری بر ایران و بازگرداندن حاکمیت ملی به چالش کشید. او در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بر سر ملی شدن صنعت نفت ایران با وینستون چرچیل، هری ترومن و دوایت آیزنهاور سرشاخ شد. ولی حکومت مصدق دوام نیاورد؛ زیرا در یک کودتای شبه نظامی سرنگون شد. این واقعه پس از جنگ جهانی دوم اولین تغییر رژیم سازمان دهی و پشتیبانی شده توسط MI۶ بریتانیا و CIA آمریکا بود.

دکتر محمد مصدق از مهم‌ترین رهبران ملی قرن بیستم در جهان بود. نیکلای گرجستانی داستان زندگی این سیاستمدار، استراتژی مقاومت، حکومت‌مداری، سابقه اصلاحات و سرنگونی او را و همچنین نقدها و آموخته‌های مهم از آن تجربه دولت داری را مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب با ترکیب خاطرات تأمل‌برانگیز، تجزیه و تحلیل استراتژیک، ارزیابی اقتصادی و مرور تاریخی، روایتی جذاب ایجاد می‌کند که خواننده را در صف اول صفحات تحول‌آفرین که در ایران در اوایل دهه ۱۳۳۰ رخ داد، قرار می‌دهد. مصدق با شجاعت، اشتیاق و سرسختی، با نهادهای حاکم داخلی مقابله کرد و برای مبارزه با حکومت استبدادی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

فراگیر و پایدار. ارزش هایی که زنده یاد دکتر محمد مصدق به کار گرفت، ایده هایی که معرفی کرد، مسیری که تعیین کرد و نیروهای اجتماعی که بیدار کرد در قلب و ذهن بسیاری از هم وطنانشان در طول نسل ها زنده خواهد ماند.



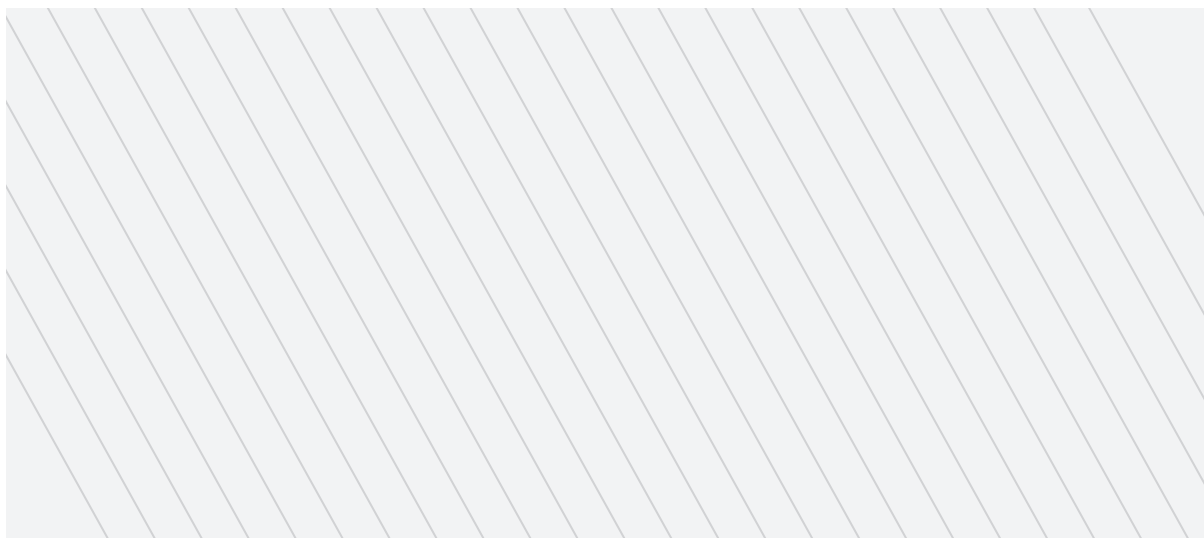
اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مصدق ارزشی قائل نبودند، بلکه بیشتر از او انتقاد می کردند. در آن زمان روزنامه لوموند (فرانسه) نوشت: «دکتر مصدق به جز ملی سازی برنامه دیگری نداشت. نه سیاست اقتصادی داشت و نه سیاست خارجی، بلکه تنها عوام فریب بود ... او در حال نابود کردن تمام پیشرفت های حاصل از اصلاحات رضاشاه بود» واقعاً؟! بیشتر روشنفکران ایرانی با این توصیف موافق نیستند و بسیاری از بابت کودتا که آن را مداخله نامشروع خارجی ها در امور داخلی کشور می دانند، به شدت آزرده خاطر شدند. برای این نگارنده که در دوران زمامداری دکتر مصدق تحصیلات دبستانی را آغاز کرده بود خاطره آن اقدام نفرت برانگیز پس از گذشت هفت دهه از وقوع آن همچنان باقی است.

تجربه مصدق در حاکمیت دموکراتیک در شرایط بسیار سخت نیز درس های مهمی در بردارد. نخست اینکه در یک فرآیند انقلابی، تقریباً غیرممکن است که یک رهبر دموکراتیک از طریق حکومت در چارچوب حاکمیت قانون موفق شود. دوم، در مواجهه با تحریم های اقتصادی، دولت ها باید سیاست هایی را طراحی کنند که بتواند از سطح فشاری که به اکثریت جامعه تحمیل می شود بکاهد و اقتصاد را باهدف تاب آوری بیشتر آن بازسازی کند. سوم، تحمیل تحریم های اقتصادی به یک کشور همیشه تضمین نمی کند که دولت آن کشور تسلیم اراده کشور تحریم گر شود یا جمعیت تحت فشار آن کشور علیه دولت خود شورش کند.

درواقع، تجربه منحصر به فرد مصدق با «سوسیال دموکراسی ایرانی» در مسیر خود با سرنگونی خوشونت آمیز متوقف شد. ما هیچ گاه نمی توانیم بدانیم که آیا دیدگاه او واقع بینانه بود یا خیر. باین حال او از دوران خود جلوتر بود. او در قرن نوزدهم به دنیا آمد و در قرن بیستم با ایده های قرن بیست و یکمی حکومت کرد، ایده رشد

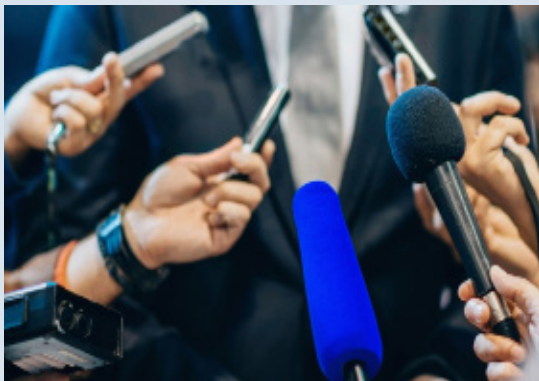
ایران، انگلیس، آمریکا و بانک جهانی است. این بخشی از اظهار نظر استاد همایون کاتوزیان، از دانشگاه آکسفورد در خصوص کتاب است: «(کتاب) مصدق کامل، مستند، متفکر و تازه است. ... شایسته است همه کسانی که به تاریخ ایران، نفت خاورمیانه و جنبش های دموکراتیک و ضد استعماری در جهان سوم علاقه مند هستند این (کتاب) را بخوانند.»

نیکلا گرجستانی یکی از مقامات ارشد سابق بانک جهانی است که دارای تجربه توسعه اقتصادی بیش از چهار دهه در کشورهایی بوده که در حال تغییر و تحول هستند. نیکلا گرجستانی زاده ایران از میراث گر جی است و در واشنگتن دی. سی. آمریکا سکونت دارد. این کتاب نتیجه چندین دهه مطالعه و پژوهش با استفاده از منابع متعدد اولیه از





گفتگو



محمد کاظم انبار لویی، سردبیر اسبق روزنامه رسالت و عضو شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

رجال سیاسی و مذهبی و نخبگان ما حزبی نیستند.

دنبال می کنند، نه با عملکرد و کارنامه. به نظر من این انتقاد به کارکرد عموم احزاب بعد از انقلاب وارد است تا جاییکه در دوره هایی وضعیت به نوعی سو استفاده از اعتماد مردم مبدل شد و رهبران احزاب باید در برابر این نقیصه پاسخگو باشند که مطلقاً پاسخگو نبودند.

آیا این نقص به عدم استقبال حاکمیت از احزاب و نیروهای حزبی اشاره ندارد؟ حتی می بینیم روسای جمهور در دوران تبلیغات انتخاباتی تأکید دارند که عضو هیچ حزبی نیستند، به نظر می رسد در سال های بعد از انقلاب حاکمیت از اعمال نظام حزبی اجتناب می کرد؟

به نظر من حاکمیت با تشکیل حزب و با حاکمیت حزبی مسئله ای ندارد. چون ما قوانین مربوطه را داریم. احزاب در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده اند و منعی برای فعالیت احزاب دیده نمی شود و نمی شود گفت حاکمیت با احزاب مخالف است و با ما مخالفت شده و نتوانسته ایم کار کنیم. نه هیچ وقت این طور نبود! مگر اینکه کار حزب و گروهی خلاف قوانین و مقررات کشور باشد. وگرنه در مواردی که مطابق با قانون پیش رفته اند هیچ منع و مانعی وجود نداشته، وقتی می بینیم فردی که برای اداره کشور انتخاب می شود، می گوید من عضو هیچ حزب و گروهی نیستم. چون چندین حزب و گروه جمع می شوند و او را انتخاب می کنند. یک نفر نمی تواند نماینده یک حزب باشد. چون او باید مظهر انتخاب ملی باشد. به هر حال رئیس جمهور، رئیس جمهور همه است. چه کسی به رئیس جمهور رأی داده باشد و چه کسی به او رأی نداده باشد. پس روسای جمهور مجبور هستند که بگویند ما عضو هیچ حزب و گروهی نیستیم. حزب در آن بازه زمانی نمی تواند بگوید این فرد نماینده من است. فعالیت حزبی نامزد باید از سال ها قبل شروع می شد؛ بنابراین نوعاً روسای جمهوری که انتخاب شده اند هر چند که مدتی در یک حزب فعالیت کرده باشند و از نظر فکری هم به گروهی وابسته باشند اما در اولین گویش سیاسی، خود را از این که عضو حزب باشند مبرا می دانند. چون عملاً فعالیت حزبی نداشته اند. این نقص احزاب است که در حذف نخبگان و یا تربیت نخبگان ناموفق بود.

برای تشویق به فعالیت های حزبی باید جذابیتی ایجاد کرد؟ مزایای نظام حزبی چیست آیا می توان با آگاه سازی جامعه از این مزایا نیاز به تشکیل حزب را یادآور شد؟

اگر حزب بستر حضور نخبگان باشد این جذابیت ایجاد می شود. در کشور ما نخبگان جامعه حزب ندارند و حزب هم از افراد نخبه خالی است. این اشکال را باید در فضای سیاسی جامعه دید و حل کرد تا احزاب رشد کنند. رجال سیاسی و مذهبی و نخبگان ما حزبی نیستند. بیشتر بزرگان سیاست در زمره رهبران احزاب نیستند و هر چند تمایلات خود را در حوزه سیاسی نشان می دهند و می توان فهمید که به چه حزب و گروهی گرایش دارند ولی از پیوستن به احزاب خودداری می کنند همین عامل نکته ای



اراده ملت؛ فائزه صدر:

محمد کاظم انبار لویی، از اعضای شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی می گوید فعالیت های سیاسی گروهی خود را پیش از انقلاب و به شکل تحرکات سیاسی در گروه های کوچک مخالف رژیم سابق شروع کرده است. انبار لویی که عضو اسبق حزب جمهوری اسلامی است در پی انحلال این حزب در سال ۱۳۶۶ به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی در این مجموعه فعالیت کرده است. اراده ملت با توجه به سابقه بالای محمد کاظم انبار لویی در فعالیت های حزبی گفت و گویی با این فعال سیاسی اصولگرا انجام داده که در ادامه می خوانید:

ایران به عنوان کشوری که قانون احزاب در ساختار قانون اساسی اش وجود دارد و منعی در برابر فعالیت های حزبی وجود ندارد، از برکات فعالیت های حزبی بهره مند نیست؟ چرا احزاب کشور ما در عرصه های سیاسی پر قدرت ظاهر نمی شوند؟

بعد از پیروزی انقلاب احزاب روندی غلط در پیش گرفتند که همانا کسب قدرت بود که به عنوان هدف حزب تعریف می شد. در حالی که با به قدرت رسیدن احزاب ابتدا نیاز به مسئولیت گرفتن کادرها و اجرای برنامه های حزب برای اداره کشور نمایان می شود ولی در این مرحله دست احزاب خالی بود. این ایراد به احزاب وارد است چرا که فقط به قدرت فکر می کنند و تنها تا کسب قدرت برنامه ریزی کرده اند. این هدف را هم با تبلیغ



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

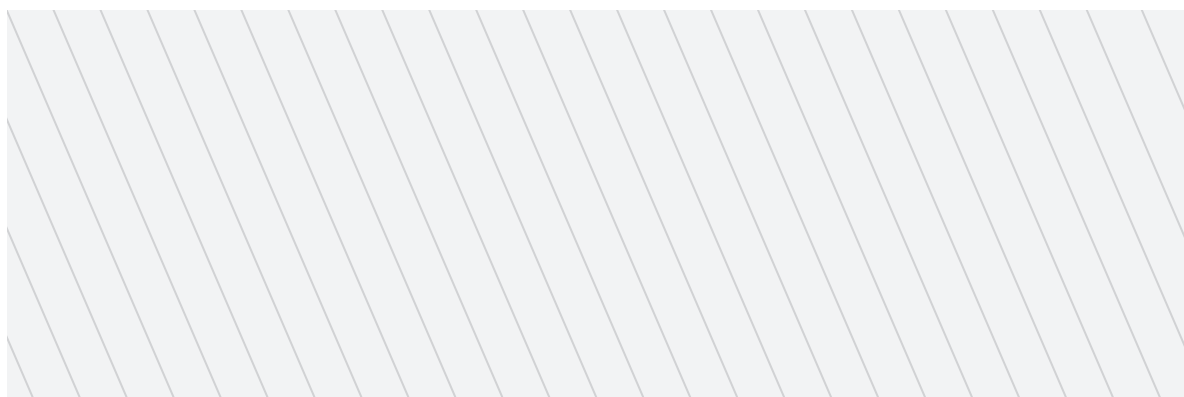
۲۳ خرداد ۱۴۰۱



مهم و اشکالی اساسی و مانعی در راه رشد احزاب است چراکه وقتی یک نخبه سیاسی این چنین خود را از چهارچوب حزب دور نگه می دارد برای عامه مردم که پیرو نخبگان هستند این باور ایجاد می شود که گویی ورود به حزب انتخاب مصلحت نیست. از این رو ما در سال های پس از پیروزی انقلاب در سطح سیاسی با احزاب خوب و قوی روبرو نبودیم بلکه با رجال سیاسی و مذهبی روبرو شدیم. نخبگان سیاسی و اجتماعی وارد صحنه شدند و چون از حمایت حزبی و از قدرت و دست بازی که حزب به رجال سیاسی می دهد برخوردار نبودند و آن افق دید حزبی و برنامه و کادر و نیروها را نداشتند، دولت هایی قدرتمند تشکیل نمی شد. به نظر من دانشگاه های ما و دانشکده های علوم اجتماعی و دپارتمان های جامعه شناسی و علوم سیاسی باید روی این موضوع کار کنند و حزب در ایران آسیب شناسی شود. بعد از چهل و چهار سال سابقه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران وقت آن رسیده که در مورد احزاب کشور و کارکرد آن ها تحقیق شود و نظریه هایی ارائه شود و چرایی عدم تشکیل احزاب توسط نخبگان و عدم حضور آن ها در احزاب سیاسی کشور بررسی شود.

پیشنهاد شما برای رفع نواقص فعالیت حزبی و رسیدن به نظام حزبی مطلوب چیست؟

امروز کارکردهای حزب به معنای آموزش و کادر سازی و برنامه ریزی برای اداره کشور در پایین ترین کیفیت ممکن قرار دارد. کادر سازی و برنامه برای اداره کشور وظیفه اصلی حزب است که کاملاً فراموش شده است. این اشکال به احزاب وارد است که کارکرد اصلی خود را که تربیت کادر و تضمین برنامه برای اداره کشور است را تعطیل کرده اند و به نحوه گرفتن قدرت در جامعه می پردازند. احزاب باید بر بخش آموزش و کادر سازی توجه داشته باشند. امروز در داخل احزاب خصیصه های کار گروهی و سازمانی موجب تفرقه شده است. مسئله انحصار قدرت در داخل حزب هم وجود دارد. آن سطح سلسله مراتبی رعایت نمی شود. اگر حزب را بستری برای آموزش و رشد افراد برای کار سیاسی و اداره جامعه بدانیم باید به سلسله مراتب و آموزش و کادر سازی دقت شود. رفتار عادلانه انتخاباتی باید اول از درون هر حزبی شروع شود. باید بدانیم که حزب سکوی پرتاب فرد به مقام و منصب نیست بلکه مرحله ای برای رشد و تربیت سیاسی است.



علی حیدری، رئیس شورای روستا کهریز بغازی و عضو سابق شورای شهرستان رزن در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

مداخله ادارات در امور روستاها اصلی ترین مشکل ماست

دامی را داشتیم، این مسئله چه تأثیری در معیشت دامداران و دهقانان گذاشته است؟

امسال دولت و مجلس نه تنها ارز ترجیحی را حذف کرده اند بلکه اصلاً نمی خواهند بگذارند که مسئله به شیوه دیگری هم حل شود. اگر صادرات و قیمت گذاری محصولات کشاورزی آزاد باشد، دامداری که کل عمر خود را صرف همین شغل کرده و مهارت دیگری ندارد با افزایش قیمت ها در بازار آزاد گلیم خود را از آب بیرون می کشد. اما در حال حاضر علی رغم اینکه ارز ترجیحی بر داشته شده است اما با مداخله دولت و قیمت گذاری اجباری برای محصولات دامی و کشاورزی، دامداری و کشاورزی نابود شده و به زودی شاهد برچیده شدن این صنعت و کشاورزی از کشورمان هستیم. ما انتظار داریم اگر حمایت در قالب تامین نهاده های دامی یا بذر و کود صورت نمی گیرد و قیمت این محصولات بر اساس بازار تعیین می شود، متقابلاً نیز قیمت گذاری محصولات دامی و کشاورزی نیز بدون مداخله باشد.



شوراهای روستایی در این میان با توجه به افزایش قیمت ها و کمبود آب چه تدابیر و راهکارهایی می توانند انجام دهند؟

شوراهای روستایی و حتی شوراهای بخش در جایگاهی قرار نگرفته اند که برای حل این جنس از مشکلات ارائه طریق کنند. گاهی اگر طرحی نیز از طرف نخبگان روستایی ارائه می شود با کم محلی و بی توجهی متولیان روبرو می شود. از طرفی مسیر و مکانیسم مشخصی نیز برای دریافت و اجرا این طرح ها وجود ندارد. اصلاً معلوم نیست که اگر طرحی نوشته شود باید به کجا ارائه شود و چه کسی متولی اجرا آن خواهد بود.

در سال های اولی که شوراهای روستایی شکل گرفتند امید زیادی به آن ها وجود داشت تا بتوانند با مشارکت روستائیان در راستای توسعه روستایی گام بردارند. اما در ادامه معلوم شد که دولت کماکان فعال مایشا در حوزه توسعه روستایی است و نمی خواهد در این موضوع آقا بالاسر یا شریکی برای خود داشته باشد. لذا خیلی سریع شوراهای روستایی به حاشیه رانده شدند و الان کارکرد چندان مشخصی ندارند و بیشتر نقش نامه بر را در روستاها ایفا می کنند.

کهریز بغازی روستای کوچکی است واقع در ده کیلومتری شمال دماق با بیش از دویست خانوار و جمعیتی بالغ بر هزار و پنجاه نفر. اکثراً سکنه آن کشاورز هستند و بقیه نیز به دامداری و کاسبی مشغول اند. البته تعداد معدودی از اهالی نیز کارمند می باشند.

مشکلات روستائیان کشور این روزها بیشتر چیست؟

روستاها کشور و روستائیان مشکلات زیادی دارند. از مسئله کمبود آب گرفته تا مسائل مربوط به مسکن و بقیه چیزها اما خیلی واضح بخواهم بگویم مداخله ادارات و سازمان های گوناگون در مسائل روستا بزرگ ترین مشکلات روستا محسوب می شود.

امسال ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف شد و به دنبال آن افزایش قیمت نهاده های



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱





رویدادهای ایران



ایران در هفته‌ای که گذشت

تهیه و تنظیم از پیام فیض

و رفتار امام نیاز دارد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنانشان هفت توصیه مهم خطاب به فعالان عرصه‌های انقلابی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیان کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان با اشاره به برخی حواشی در زمان سخنرانی حجت‌الاسلام سید حسن خمینی تأکید کردند: شنیدم در زمان سخنرانی جناب آقای حاج سید حسن خمینی، کسانی سروصدا کردند. همه بدانند که من با این کارها و سروصداها مخالف هستم.



سید محمود دعایی دار فانی را وداع گفت

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی روز ۱۵ خرداد در یکی از بیمارستان‌های تهران دار فانی را وداع گفت. سید محمود دعایی، سال ۱۳۳۰ در یزد دیده به جهان گشود، وی پس از اتمام تحصیلات متوسطه وارد حوزه علمیه کرمان شد و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد. او پس از اتمام سطوح اولیه تحصیلی در کرمان به حوزه علمیه قم رفت، بعد از تکمیل سطوح عالیه در سال ۱۳۴۶ تحت تعقیب رژیم شاه قرار گرفت و مخفیانه به عراق رفت و در آنجا تحصیلات علوم اسلامی را ادامه داد. در این دوران تلاش‌های وسیعی جهت استردادش صورت گرفت که مأموران رژیم گذشته در این زمینه موفق نشدند. وی از اعضای مجمع روحانیون مبارز، سرپرست مؤسسه اطلاعات از سال ۱۳۵۹ تاکنون و نماینده شش دوره مجلس شورای اسلامی از ابتدا تا سال ۱۳۸۲ بوده است. حجت‌الاسلام والمسلمین دعایی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در خارج و داخل ایران از فعالان سیاسی بوده و در خلال این مدت به اروپا و کشورهای خاورمیانه (چون سوریه، لبنان، اردن، عربستان، پاکستان و افغانستان) سفر کرده است. او یکی از همراهان امام خمینی (ره) در دوران اقامت در شهر نجف بوده و در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ نیز سفیر ایران در عراق بود. رهبر معظم انقلاب، سید محمد خاتمی، سید حسن خمینی، رئیس‌جمهور، رئیس مجلس و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و رسانه‌ای در پیام‌های جداگانه درگذشت دعایی را تسلیت گفتند. رهبر انقلاب و سید حسن خمینی بر پیکر سید محمود دعایی نماز خواندند.



سخنرانی رهبر معظم انقلاب در سالگرد رحلت حضرت امام (ه) و واکنش به ایجاد سروصدا در هنگام سخنرانی سید حسن خمینی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صبح روز (شنبه) در اجتماع پر شور مردم مرقد مطهر رهبر کبیر انقلاب به مناسبت سیصدمین سالگرد عروج آن عزیز سفر کرده، امام خمینی را روح جمهوری اسلامی، شخصیتی حقیقتاً استثنایی و امام «دیروز و امروز و فردای ملت ایران» خواندند و تأکید کردند: نسل جوان و هوشمند کنونی برای اداره آینده کشور و رساندن ملت به قله‌های پر شکوه به نرم‌افزاری مطمئن، جامع، شتاب‌دهنده و تحول‌آفرین یعنی درس‌ها و گفتار

خروج قطار طبس - یزد از ریل با ۳۴۸ مسافر

محمدرضا رضایی مدیرعامل جمعیت هلال احمر خراسان جنوبی گفت: ساعت ۵:۳۰ دقیقه بامداد روز چهارشنبه ۱۸ خرداد قطار مسافری در ۵۰ کیلومتر محور طبس - یزد (ایستگاه مزینو) از ریل خارج شد. رضایی با اشاره به اینکه تاکنون ۶ تیم امدادی از هلال احمر به محل حادثه اعزام شده است افزود: یک تیم از پایگاه مسجد شکر، ۲ تیم از پایگاه دیهوک، دو تیم پشتیبان از شعبه طبس و یک تیم از بشرویه در عملیات نجات آسیب دیدگان مشارکت داشته‌اند. علی‌اکبر رحیمی فرماندار ویژه طبس هم گفت: تاکنون فوت ۱۰ نفر در حادثه خروج قطار مسافری از ریل در محور طبس - یزد توسط نیروهای امدادی حاضر در صحنه گزارش شده است. رحیمی افزود: بامداد امروز چهار واگن این قطار از ریل خارج شد و تمامی یگان‌های امدادی هلال احمر، اورژانس و راه‌آهن اکنون در محل حضور دارند. وی گفت: آماری که اورژانس به ما داده است ۱۲ مصدوم نیاز به اعزام داشتند ولی امکان افزایش این آمار با توجه به شدت حادثه وجود دارد. فرماندار ویژه طبس افزود: نیروهای امدادی هنوز در حال بررسی واگن‌ها و شناسایی مجروحان یا فوتی‌های احتمالی هستند. وی با اشاره به اعزام ۱۲ آمبولانس به محل حادثه اضافه کرد: بالگرد نیز از یزد و قطار از طبس در حال اعزام است تا مجروحان به طبس منتقل کنند و سپس به یزد انتقال داده شوند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱



قطعنامه علیه ایران در شورای حکام آژانس اتمی به تصویب رسید

قطعنامه علیه ایران در شورای حکام آژانس اتمی در روز ۱۸ خرداد با ۳۰ رأی موافق، ۲ رأی مخالف (روسیه و چین) و ۳ رأی ممتنع (هند، لیبی و پاکستان) به تصویب رسید. آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه روز دوشنبه پیش‌نویس قطعنامه‌ای را که ایران را به عدم همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متهم می‌کند به شورای حکام آژانس تحویل دادند. سازمان انرژی اتمی ایران روز (چهارشنبه) با صدور بیانیه‌ای از قطع فعالیت تعدادی از دوربین‌های فرا پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران خبر داد. در بیانیه سازمان انرژی اتمی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران تاکنون همکاری‌های گسترده‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته است که متأسفانه آژانس بدون اینکه در نظر داشته باشد که این همکاری‌ها ناشی از حسن نیت ایران است، نه تنها قدر دان این همکاری‌ها نبوده، بلکه به‌نوعی آن را وظیفه ایران نیز تلقی کرده است. به همین دلیل تصمیم گرفته شد از امروز فعالیت دوربین‌های فرا پادمانی دستگاه اندازه‌گیری بر خط سطح غنا OLEM و فلو متر آژانس قطع شود که دستور آن به مسئولان مربوطه داده شده است.» سازمان انرژی اتمی در این بیانیه همچنین یادآور شده است: البته بیش از ۸۰ درصد از دوربین‌های موجود آژانس دوربین‌های پادمانی هستند که کمافی‌السابق فعالیت این دوربین‌ها ادامه خواهد یافت.



سرقت هالیوودی از بانک ملی

تعدادی از سارقان در تعطیلات اخیر از ساختمان مجاور وارد شعبه ممتاز بانک ملی واقع در خیابان انقلاب رو به روی دانشگاه تهران شدند و حدود ۲۵۰ عدد از صندوق امانات را باز و اموال داخل این صندوق‌ها را به سرقت بردند. بر اساس این خبر، به دلیل اینکه سارقان به محیط بانک آشنایی داشتند، دستگاه ضبط تصاویر را با خود به سرقت بردند و همین امر باعث شده است که آمار و اطلاعات دقیقی از این سرقت مبنی بر اینکه سارقان چند نفر بوده و یا از چه طریقی توانستند به سامانه بانک نفوذ کنند، در حال حاضر در دسترس نباشد. بر اساس اعلام منابع آگاه همچنین سیستم هشدار بانک که باید هم به موبایل رئیس بانک و هم به سامانه پلیس متصل باشد، فقط به موبایل رئیس بانک متصل بوده است و این سرقت به موبایل رئیس بانک پیامک شد اما به دلیل اینکه در سنوات گذشته این سامانه هشدار اشتباهی داده بوده است رئیس بانک به این پیامک اعتنایی نکرد و فکر کرد مانند دفعات قبلی پیامک اشتباه است. حجم و عدد و رقم سرقت هنوز مشخص نیست چرا که بانک از محتویات داخل صندوق امانات مطلع نبوده است؛ همچنین پرونده این سرقت در اداره ۱۷ پلیس آگاهی در دست بررسی و پیگیری است. بانک ملی نیز طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد حادثه شعبه دانشگاه این بانک که به بروز برخی خسارات

محدود به صندوق امانات منجر شد، از سوی پلیس و مراجع ذی‌ربط در حال پیگیری است. سرهنگ علی ولی پور گودرزی رئیس پلیس آگاهی پایتخت در خصوص سرقت از صندوق امانات یکی از بانک‌های خیابان انقلاب، بیان داشت: به محض اطلاع از وقوع سرقت پیگیری‌های لازم برای دستگیری سارق یا سارقان ادامه دارد. لازم به ذکر است چند نفر از کارکنان بانک که در بررسی‌های اولیه در این حادثه قصور و سهل‌انگاری داشته‌اند تحت نظر هستند و تحقیقات از آن‌ها ادامه دارد.

در آخرین اطلاع‌رسانی صورت گرفته ۱۳ نفر از افراد درگیر در این سرقت شناسایی و بعضی از ایشان بازداشت شده‌اند. بخش زیادی از اموال مسروقه نیز پیدا شده است.



حمله سایبری به شهرداری تهران

در ساعات ابتدایی این اختلالات در سامانه‌های شهرداری تهران، برخی از رسانه‌های خارجی خبر دادند که بیش از پنج هزار دوربین نظارتی شهرداری تهران از دسترس خارج شده است.

شهرداری تهران نیز از حمله هکرها که چند وقت است سازمان‌های و نهادهای کشور را مورد حمله سایبری قرار داده‌اند، در امان نماند. ظهر روز ۱۲ خردادماه، دسترسی به سایت شهرداری تهران و سایت «تهران من» امکان‌پذیر نبود.

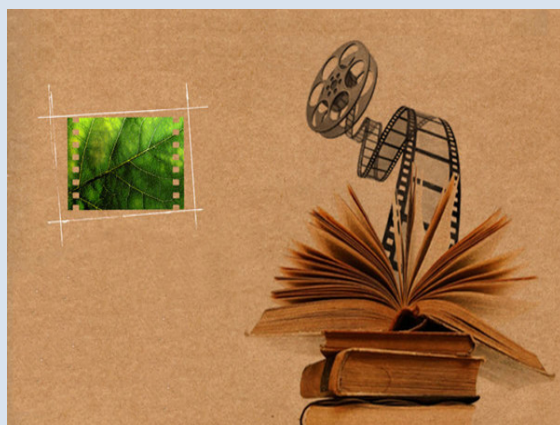
ابتدا دوربین‌های منتهی به بهشت زهرا هک شد. تصاویر موهن از دوربین‌ها منتشر شد و در ادامه حمله سایبری به سایت‌های شهرداری تهران رسید. دستگاه‌ها یک‌به‌یک هک می‌شدند و دسترسی کاربران هم به حساب‌های شخصی در سامانه‌های خدماتی نظیر «تهران من» قطع می‌شد. شهرداری تهران چند ساعت بعد از حادثه رخ داده، اطلاعیه‌ای منتشر کرد.

شهرداری تهران ابتدا گفت سایت‌های ما هک نشده و دلیل وضعیت پیش آمده اختلال عمدی است. وی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «اختلال عمدی در صفحه داخلی سامانه‌ی اینترنت (داخلی) شهرداری تهران، برای دقایقی این سامانه را با انتشار تصویری موهن از دسترس همکاران خارج کرد. فرآیند رفع این اختلال محدود، به سرعت به انجام رسید و در حال حاضر سامانه‌های خدمت‌رسانی شهرداری تهران برای بررسی‌های پیشرفته توسط سازمان فاوا، موقتاً از دسترس خارج شده است.» اما اختلال مدت‌دار در دوربین‌های کنترلی و سایر سایت و سامانه‌های این سازمان نشان از حمله خرابکارانه داشت. شهرداری نیز به ناچار اعلام کرد که به دنبال حمله خرابکارانه به سامانه‌هایش، برخی سامانه‌های خدمات شهری دچار اختلال شده است. به دنبال این اتفاقات، یک گروه هکری با انتشار ویدیوهایی از دیتاستر مرکز فناوری اطلاعات شهرداری تهران، مدعی شد که به زیرساخت دوربین‌های



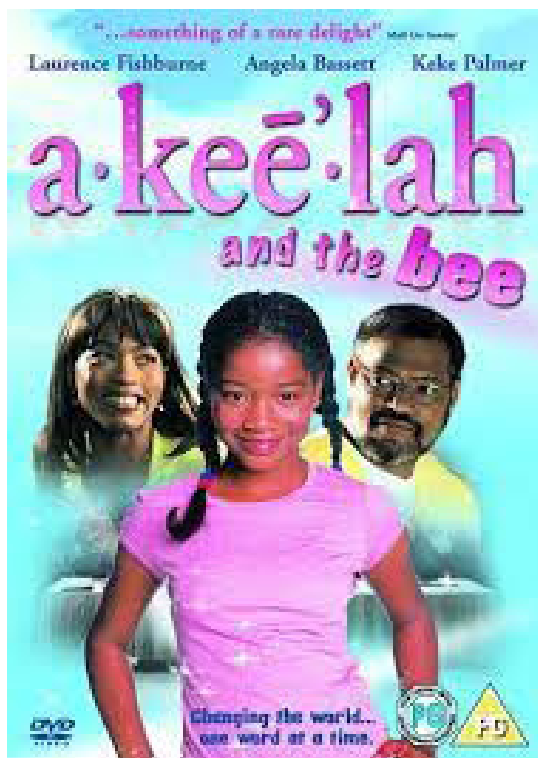


معرفی و پیشنهاد



آکیلا و مسابقه هجی کلمات

این درام هیجان بخش ۱۱۲ دقیقه ای در سال ۲۰۰۶ ساخته شده است و ماجرای دختری ۱۱ ساله به نام آکیلا را روایت می کند.



حافظه محور و رقابتی ماست که به جای آسیب شناسی و رفع مشکلات آن، مدام آن را وصله پینه کرده ایم. ارزیابی کودکان بر اساس نمره، روشی منسوخ در نظام آموزشی و سمی برای پرورش شخصیت کودکان ماست. رقابت هایی که بر سر نمره ایجاد می کنیم، در خیابان و تصادف های رانندگی جلوه می کند، در نابودی محیط زیست و آلودگی هوا خود نمایی می کند. شکاف طبقاتی را بیشتر می کند و مهاجرت نخبگان را افزایش می دهد.

تربیتی اش، شیوه ای مبارزه آگاهانه علیه تبعیض و بی عدالتی را به تصویر می کشد و نوعی مبارزه بدون خشونت را آموزش می دهد.

(برداشته شده از یادداشت جلال جلیلی خبرنگار ایسنا)
«آن چیزی که باعث موفقیت من شد، عشق من به مردم بود» این عبارت، آخرین جمله بازیگر کودک فیلم آکیلا و مسابقه کلمات بود. داستان فیلم مربوط به «آکیلا» دختر بچه یازده ساله سیاه پوستی است که زندگی سختی دارد، پدرش مرده و مادرش هم او را فراموش کرده و برادرش یک خلاف کار خیابانی است. ولی «آکیلا» نمی خواهد به این شکل به زندگی ادامه دهد. او از همان روستای خود در مسابقات هجی کردن کلمات شرکت می کند و معلمش به او کمک می کند که استعداد بی نظیرش شکوفا شود. آکیلا روزگار سختی دارد اما با تلاشی که دارد به مرحله منطقه ای و ایالتی و کشوری راه پیدا کرده و سرانجام به حق خود می رسد. اما آنچه در این فیلم قابل تأمل است، رفتار آگاهانه و عاقلانه این کودک ۱۱ ساله است. آکیلا و دیگر دانش آموزان شرکت کننده در این مسابقات هیچ گاه به این مسابقه به معنای رقابت برای حذف نگاه نمی کنند و حتی به یکدیگر کمک می کنند. تا آنجا که در مرحله آخر، وقتی آکیلا صدای پدر دیلین - آخرین رقیب مرحله کشوری مسابقه - را می شنید که می گفت «باید برنده شوی»، تصمیم می گیرد که خود را از دور مسابقات حذف کند و به همین دلیل به اولین سؤال خود جواب اشتباه می دهد ولی دیلین که متوجه منظور آکیلا می شود، در همان لحظه به سراغ او رفته و از او می خواهد که برای پیروزی مسابقه بدهد و این چنین می شود که هر دو پا به پای هم مسابقه داده و داوران نیز هر دو را برنده اعلام می کنند. در بخش دیگری از این فیلم که مربوط به مرحله ایالتی مسابقه است، مادر آکیلا وارد استودیو شده و او را که بی اجازه در مسابقات شرکت کرده، از مسابقه بیرون می کشد تا علت رفتار او را سؤال کند. اما رقیبان آکیلا این قدر پاسخ دادن خود را طول می دهند تا این که آکیلا دوباره به سن برمی گردد و از اتفاق برنده این دور می شود. این فیلم، سراسر آموزه های تربیتی برای یک زندگی آگاهانه است. اگر امروز، اقتصاد ما، یک اقتصاد در مانده شده و اجتماع ما با آسیب های اجتماعی روبرو شده است، چرا دانش آموختگان نخبه و به اصطلاح تیز هوش تاکنون کاری نکرده اند؟ بدون شک یکی از دلایل آن، نظام آموزشی فرسوده و

واما؛

ما دیدن این فیلم را به شما توصیه می کنیم چرا که جدا از آموزه های



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰۵

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

دولت رفاه و دو گانه سوسیال دمکراسی و لیبرال دمکراسی

منظر ساز و کار نظام اجتماعی و اقتصادی به نظام ترجیحاتی نزدیک تر است که لیبرال دمکراسی نامیده می شود یا به آنی که ذیل عنوان سوسیال دمکراسی قرار می گیرد؟ در پی تقویت این ایده هستیم که تا حدودی برخلاف قرن بیستم، اینک نگاه علمی تجربی و واقع گرا به سیاست و برنامه ریزی اجتماعی، همگرایی این دو جریان را در قالب عمل گرایی افزوده است و اختلافات سنتی نظری و ایدئولوژیک آنان به رغم بقا در سپهر تبلیغات، کارآمدی و جدیت خود را فرو نهاده است. تعارض مالیات / حمایت از یک شکاف ایدئولوژیک به موضوعی برای یک کارشناسی محدود و موقت همگرایی می کند. اصل دولت رفاه مسئله نیست، حد آن مورد بحث است و اختلاف در نظر هم در این مورد در قالب نوعی عمل گرایی رو به کاهش است.

این مقاله را مرتضی مردیها دانشیار ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی در فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، در بهار سال ۱۳۹۹ به چاپ رسانده اند. در دوره مدرنیته متأخر و به ویژه در فاصله میان جنگ جهانی اول و اضمحلال نظام کمونیستی، مهم ترین شکاف فعال در نظام حزبی کشورهای دمکراتیک، دو گانه چپ و راست بوده است. غالباً بزرگ ترین دو حزب رقیب، فارغ از نام های متفاوت، دو گرایش سوسیال دمکراسی و لیبرال دمکراسی را نمایندگی می کرده اند. دعوای این دو جریان بیشتر حول محور اخلاقی و کارکردی بودن یا نبودن اصل وجود دولت رفاه بوده است. پرسش این است که آیا فصل مشترک وضعیت کشورهای دمکراتیک در قرن بیست و یکم از



واما؛

ما خواندن این مقاله را به همه علاقه مندان و منتقدان دولت رفاه توصیه می کنیم چرا که ضمن تأکید و توصیه

بر دولت رفاه، به خوبی مرز بین مکاتب مختلف لیبرال و سوسیال را در مورد این مفهوم در عمل نشان می دهد. برای خواندن این مقاله می توانید به آدرس زیر مراجعه کنید:

https://tssq.atu.ac.ir-article_11347.html



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

محمود دعایی

غلبه منش شخصی بر ایدئولوژی

که آن‌ها را صادق نمی‌بینند و مذاکره با آن‌ها را بی‌فایده می‌دیدند. امام اما توجیه زیبایی در عدم پذیرش کردند، گفتند که من از طرف ایشان بگویم که فلانی ضمن تشکر از حسن نیت شما ترجیح می‌دهد که مذاکره کننده رسمی با شما نماینده واقعی مردم باشد. ما در آینده نزدیک انتخابات ریاست جمهوری داریم. مردم نماینده رسمی خود به عنوان رئیس جمهور کشور را انتخاب خواهند کرد. در آینده نزدیک ما انتخابات مجلس شورای داریم و نمایندگان واقعی مردم انتخاب خواهند شد. من ترجیح می‌دهم نماینده‌ای اعزام شود که از طرف منتخب مردم ایران باشد. در شرایط فعلی که مرحله گذار از پیروزی انقلاب و رسمی شدن حاکمیت است ترجیح می‌دهم که من کسی را اعزام نکنم و اجازه دهید انتخابات برگزار شود و نماینده رسمی ما برای مذاکره بیاید و شما تا آن موقع که مردم نماینده‌شان را انتخاب می‌کنند حسن نیت نشان دهید تا شرایط برای مذاکره مناسب باشد من هم آمدم و عیناً همین مسائل را نقل کردم. خب طبیعتاً آن‌ها در ترغندشان شکست خوردند.



هفته گذشته سید محمود دعایی از نسل اول انقلابیون ۵۷ در ۸۱ سالگی در گذشتند. ایشان جدا از شخصیت متکثر و مردم‌دار خویش، فردی معتقد به کار تشکیلاتی بودند و تا آخر عمر به عنوان عضوی از مجمع روحانیون مبارز فعالیت می‌کردند.

نقش وی در سال‌های اول انقلاب خصوصاً در روابط بین ایران و عراق بسیار کلیدی بوده است. چرا که هم قبل از انقلاب رابطه آیت‌الله خمینی با مقامات عراقی بوده و هم بعد از انقلاب سفیر ایران در عراق بوده است. در سال‌های اخیر در این مورد زیاد صحبت شده است لذا در این مقال توجه شما را به بخشی از خاطرات ایشان که به این موضوع می‌پردازند، جلب می‌کنیم:

صدام در نطق‌های تعیین کننده‌اش نسبت به ایران موضع می‌گرفت و عمده فعالیت‌هایی که داشت تحریک اعراب منطقه و هم‌وطنان خوزستانی ما و حتی کردهای ایرانی ما بود. ادعای حاکمیت بر شط العرب و ادعای حاکمیت بر جزایر سه گانه و ... به هر حال ادعایی این چنینی داشتند و بلندگوهای تبلیغاتی‌شان را به طرف گروه‌های طرفدار شاه فعال کردند. من اعتراضاتی را به این ادعاها و مطالبی که در روزنامه‌هایشان بود با مراجعه به وزارت خارجه ابلاغ می‌کردم. آن‌ها هم متقابلاً اعتراضاتی داشتند نسبت به آنچه یا در روزنامه‌های ما مطرح می‌شد یا آنکه مسئولان سیاسی ما عرضه می‌کردند.

در یک مقطع جدی که من ملاقاتی با وزیر خارجه‌شان داشتم گفتم که شما می‌دانید که من علاوه بر اینکه نماینده دیپلماتیک هستم و از طرف وزارت خارجه به عنوان سفیر انتخاب شده‌ام سوابق نزدیکی و آشنایی با رهبر انقلاب را هم دارم. خب شما چه مشکلی دارید و چرا مطرح نمی‌کنید؟ در ملاقات بعد که من پذیرفته شدم پیامی از طرف صدام به من داده شد و پیام جالبی بود. صدام پیشنهاد داده بود که من به ایران بیایم و راساً از امام خمینی نماینده‌ای را درخواست کنم که تام‌لا اختیار بیاید و در عراق با صدام حسین مذاکره کند.

مذاکره بر سر جزایر و شط العرب؟ سر همه مسائل اختلافی، خب طبیعتاً آنچه آن‌ها می‌خواستند در مذاکرات از ما پذیرش شود یکی تسلیم مادر مقابل ادعاهای آن‌ها برای شط العرب بود. تسلیم در برابر ادعاها در مورد جزایر سه گانه و پذیرش در برابر تجزیه طلبی برخی هم‌وطنان در داخل که عراق هم حامی آن‌ها بود. من به ایران و خدمت امام آمدم و شرایط را توضیح دادم که بر نامه‌های عراق چیست و پیشنهاد اعزام نماینده برای مذاکره را هم داده‌اند. من به دلیل آشنایی‌ای که داشتم پیشنهاد به امام این بود که در شرایط فعلی بهترین نماینده‌ای که می‌تواند از طرف امام برای مذاکره برود آقای هاشمی رفسنجانی است.

امام چه نظری داشتند؟ امام فرمودند که باید فکر کنند روز بعد که من رفتم امام فرمودند که من به حسن نیت عراقی‌ها اعتقاد ندارم. این‌ها ما را در شرایط و بیژهای تصور کرده و می‌خواهند در مذاکره ما را تسلیم یک سری از خواسته‌هایشان بکنند که آن خواسته‌ها عملی نیست و ما نمی‌توانیم نسبت به تمامیت ارضی کشورمان تصمیمی بگیریم و ادعاهای واهی آن‌ها را بپذیریم. امام تأکید داشتند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰۵

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

روز جهانی مبارزه با کار کودکان

حمایت اجتماعی جهانی برای پایان دادن به کار کودکان (شعار سال ۲۰۲۲)

سال اخیر (نظیر سیل، زلزله و ...)، مهاجرت کودکان کشورهای همسایه و کودکان شهرهای توسعه نیافته به شهرهای برخوردار و وجود چرخه بین نسلی کار از مهم ترین عوامل بروز کار کودکان در ایران بوده است. طبق آخرین آماري که مقامات ایران در تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۸ دادند، تنها در تهران ۱۴ هزار زبانه گرد وجود دارد که یک سوم آن ها یعنی ۴ هزار و ۷۰۰ نفر کودک هستند. در خرداد ۱۳۹۸ بر اساس تازه ترین گزارش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۶ بیش از ۳۳۶ هزار کودک پسر و ۷۴ هزار کودک دختر بین سنین ۱۰ تا ۱۷ سال مشغول کار بوده و ۸۹ هزار کودک دنبال کار بوده اند. بر همین اساس تعداد کودکان بی سواد ۲۵۱ هزار کودک و تعداد کودکانی که ترک تحصیل کرده اند ۱۰۶۸ میلیون کودک هست. تعداد کودکان کار در پایتخت به طرز مشهودی بیشتر از جاهای دیگر است. در طرح های کوتاه مدتی که برای این مسئله طراحی شده اجرا کنندگانی چون شهرداری، سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی بیشتر این کودکان را جمع آوری و نگهداری کرده اند. گزارش ها نشان می دهد جمعیت این کودکان رو به افزایش است و جمع آوری های مقطعی نمی تواند چاره کار دانسته شود. این دسته به دلیل حضور دائم در محدوده های ترافیکی یا فعالیت در حوزه بازیافت زباله در معرض خطر هستند و به مریضی های مختلفی مبتلا می شوند.

روز جهانی مبارزه با کار کودکان روزی است که برای افزایش آگاهی و فعالیت در زمینه جلوگیری از کار کودکان، از سوی سازمان بین المللی کار (ILO) پیشنهاد شده است. این پیشنهاد نخستین بار در سال ۲۰۰۲ صورت گرفت. این روز هر ساله در ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) برگزار می شود و هدف آن تقویت جنبش جهانی بر ضد کار کودکان است. در این روز دولت ها و نهادهای محلی، جامعه مدنی و جهانی، کارگرا و کارفرمایان به گرد هم جمع می شوند تا مشکل کودکان کار را مطرح کنند و راه حل هایی برای کمک به آن ها پیشنهاد کنند. بر پایه داده های ILO صدها میلیون دختر و پسر در جهان درگیر کارند و از آموزش و پرورش مناسب، بهداشت، تفریح، و آزادی های اولیه بی بهره اند. بیش از نیمی از این بچه ها مشغول به بدترین شکل ممکن از کارهای کودکان اند؛ مانند کار در محیط های خطرناک، بردگی یا دیگر شکل های بیگاری؛ قاچاق مواد مخدر و تن فروشی و حتی ورود در درگیری های مسلحانه. در ایران آمار دقیقی از تعداد کودکان کار وجود ندارد زیرا شناسنامه هویتی برای کودکان کار تشکیل نشده و آمارها متنوع و در بسیاری از مواقع متناقض اند. در هر صورت در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان تعداد کودکان کار رو به افزایش است و عواملی نظیر گسترش فقر، افزایش تورم، طلاق، بالا رفتن هزینه تحصیل، بحران های طبیعی چند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱





تابلو به دستان حاشیه جاده

هرچند گاهی خود دست فروشان حاشیه جاده یا صاحبان خانه و ویلا با تابلویی در دست کار تبلیغ اجاره با فروش را انجام می دهند. اما در بسیاری مواقع، کودکان یا افراد دیگری با پرداخت مبالغی نازل برای جذب مشتری یا مسافر بکار گرفته می شوند. این شغل هم مشابه خیلی از مشاغل دیگر که قبلاً معرفی شده اند با مسائل و مشکلاتی روبرو است که در اینجا به تعدادی از آن ها اشاره می شود:

- خطر تصادف در کمین است.
- مشکل ایستادن طولانی زیر آفتاب یا دیگر شرایط نامساعد آب و هوایی وجود دارد.
- کاری ست موقتی و ناپایدار.
- امتیازات و دریافتی بسیار اندک، شاغلان را رنج می دهد.
- فقدان ظرفیت هایی برای شکوفایی و ارتقا و توانمندسازی افراد شاغل در این شغل
- ساعات کارش زیاد و نامنظم است.
- فضای کار، نامشخص و طبیعتاً نابر خوردار از امکانات و رفاه می باشد.
- شاغلین این عرصه، محروم از فرصت برقراری ارتباطات مؤثر با مراجعین و عناصر هویتی مطلوب هستند.
- آمار به کارگیری بالای کودکان در این شغل بالاست.

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰۵

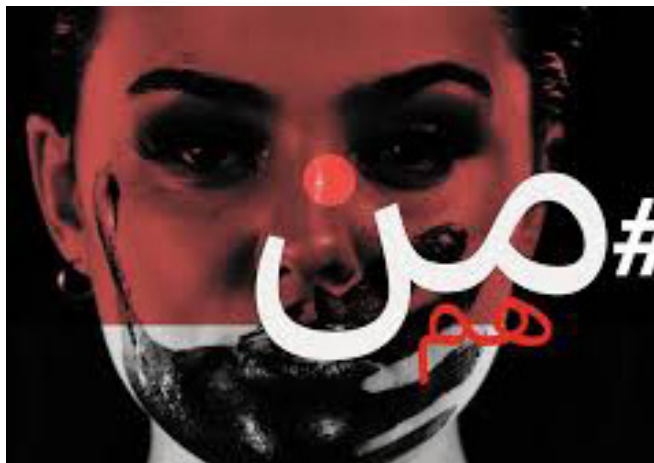
۲۳ خرداد ۱۴۰۱



اخبار حزبی



نشستی در رابطه با جنبش من هم!



در نشست خردادماه یکی از حوزه‌های حزبی به بررسی مواضع و نظرات جنبش metoo پرداخته شد. این جنبش یک جنبش و هشتک اینترنتی بود که در رسانه‌های اجتماعی از اکتبر ۲۰۱۷ گسترش پیدا کرد و بارها به اشتراک گذاشته شد. این هشتک برای نشان دادن شیوع گسترده تجاوز و آزار جنسی، به‌ویژه در محیط کار و محکوم کردن آن مورد استفاده قرار گرفت.

در این نشست مجازی حاضرین به بررسی تاریخچه، ابعاد، اماواگرهای این جنبش پرداختند. گزارش کامل این نشست در همین شماره نشریه توسط زهره رحیمی ارائه شده است.

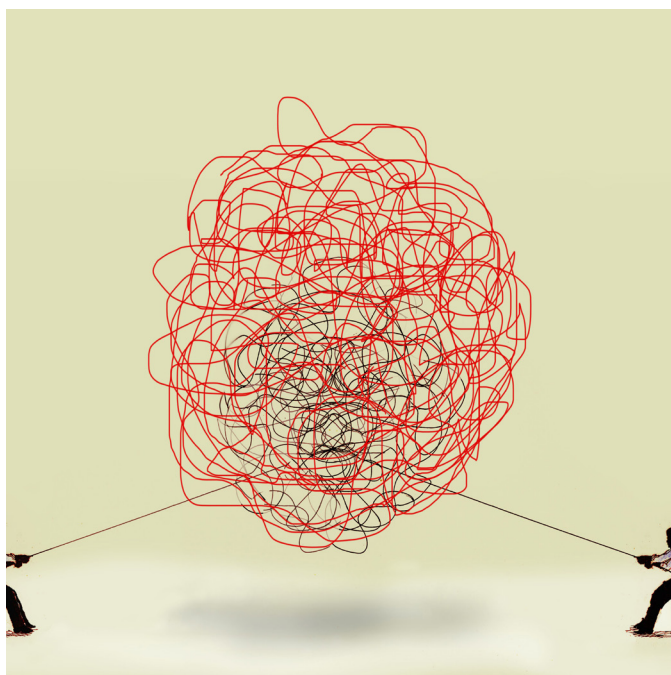


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰۵

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

اپوزیسیون خارج از کشور چه می‌گوید؟



در آخرین جلسه دفتر سیاسی حزب (یکشنبه ۱۵ خردادماه) ضمن مرور اخبار و وقایع رخ داده در هفته‌های جاری، نگاهی انداخته شد به وضعیت اپوزیسیون خارج از کشور و فعالیت‌ها و برنامه‌های ایشان و مسائل و مشکلاتی که برای حرکت‌های سیاسی داخل کشور ایجاد می‌کنند. در این جلسه آخرین صحبت‌های رضا پهلوی مورد نقد و بررسی قرار گرفت.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

کتاب دیپلماسی نفتی ایران قبل و بعد از برجام آماده چاپ می شود.



خدیجه رمضانی مقدم با راهنمایی دکتر علیرضا سلطانی پژوهشی را در زمینه دیپلماسی نفتی ایران انجام داده اند که اینک در قالب یک کتاب برای چاپ آماده می شود. این کتاب به بررسی دیپلماسی نفتی ایران در دهه اخیر می پردازد و به طور مشخص دیپلماسی ایران در قبل از توافق برجام، بعد از برجام و بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام را مورد کنکاش و مذاقعه قرار می دهد. طبق برنامه ریزی های صورت گرفته به احتمال زیاد این کتاب ۱۵۰ صفحه ای در آخر تابستان ۱۴۰۱ به چاپ خواهد رسید.

شروع مجدد فعالیت کارگروه محیط زیست حاما



قبل از شروع پاندمی کوید ۱۹ و در کنار کارگروه های زنان، مدیریت بحران، سلامت؛ کارگروه محیط زیست یکی از کارگروه های فعال حزب اراده ملت ایران بود. بحران کرونا و شرایط مختلف ناشی از آن باعث شد که این کارگروه برای مدتی غیرفعال باشد. خوشبختانه اخیراً این کارگروه با مدیریت فاطمه امامی مجدداً فعال شده است و با تشکیل یک کانال تلگرامی فعالیت های دوره جدید خود را شروع کرده است. طبق صحبت های صورت گرفته با خانم امامی، این کارگروه در فاز اول به شناسایی افراد علاقه مند به موضوع می پردازد و در فاز بعدی به اجرا پروژه های عملیاتی در سطح دفاتر شهرستانی حزب می پردازد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۰۵

۲۳ خرداد ۱۴۰۱

سیاست به زبان خودمانی

(کنشگران سیاسی)

چنانچه از ما بپرسند که کنشگران سیاسی چه کسانی هستند، پاسخ ما چیست؟

افرادی که در رشته علوم سیاسی تحصیل کردند؟
افرادی که در انتخابات، نظر ما را نسبت به نامزد الف یا ب، تغییر می دهند؟

مسئولانی که تصمیمات سیاسی می گیرند؟
یا شهروندان علاقه مندی که در خصوص مسائل سیاسی اظهار نظر و اعلام موضع می کنند؟

در حقیقت، کنشگران سیاسی افرادی هستند که به طور منظم با برنامه ریزی و به صورت هدفمند، وارد فعالیت های سیاسی می شوند.

کنشگری سیاسی به مشارکتی فراتر از رأی دادن گفته

می شود. کنشگران سیاسی در فعالیت های مختلفی مانند آگاهی بخشی، آموزش، ساماندهی نیروها، شناخت مسائل موجود و تدوین برنامه برای رفع آنها، شبکه سازی، بررسی و تحلیل شرایط، برقراری ارتباط و انتقال پیام از طریق بیانیه، جلسات سخنرانی و تجمع ها، حضور در فرآیندهای کسب قدرت چون راه اندازی کمپین ها و ستادهای انتخاباتی پیرامون معرفی نامزد مورد نظر، تعامل با بدنه جامعه از طریق رسانه ها و نشست های دیدار و گفتگو، درگیر روندهای سیاسی می شوند. این افراد برای اینکه شایسته خطاب شدن با نام کنشگر سیاسی باشند، حتما باید برای ارتقای دانش، بینش و مهارت خود در حوزه سیاست وقت بگذارند و در مواجهه با وضعیت سیاسی و مدنی جامعه احساس مسئولیت عملی کنند. برای این مهم، کنشگران سیاسی باید از اندیشه و مبانی فکری روشن و مشخصی برخوردار باشند و قادر به توضیح دیدگاه های خود در حوزه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی جامعه باشند.



سازمان آگهی

تبلیغات برای شما رایگان است

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس Hgolami1367@gmail.com ایمیل

و یا

به شماره ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ واتساپ نمائید.

خاطرات

www.khsmag.ir





بازرگانی مددی



پخش پروفیل و یراق آلات

ملزومات شیشه دو جداره

چسب و کالوانیزه

ملزومات توری

انواع دکوراتیو

تلفن : ۰۹۱۲۰۴۴۶۱۸۲ ایناتلو

آدرس : قزوین مجتمع تجاری نیایش رو به روی بیمارستان پاستور



نرم افزار های جامع و یکپارچه اداری - مالی

نرم افزار پیشرفته
زوبین



تعداد کاربر نامحدود

بدون محدودیت در تعداد کاربر عدم افت سرعت در استفاده همزمان کاربران



کاملاً تحت وب

سازگار با تمامی سیستم عامل ها و مرورگر ها بدون محدودیت دسترسی مکانی قابلیت استفاده در تلفن همراه و تبلت



امنیت فوق العاده

برنامه نویسی شده توسط زبان جاوا تعیین دسترسی برای تمامی کاربران



پایه سازی بر اساس نیاز کاربران

ایجاد گردش کاری های مرتبط با هر سازمان امکان گرایش گیری مرتبط با هر قسمت سازمان بومی سازی تمامی قسمت ها بر اساس سازمان



zoubin.ir

تلفکس: ۸۸۳۱۰۵۶۹، ۴-۸۸۳۱۰۳۴۳

info@zoubin.ir

دفتر مرکزی، تهران، کریمخان، خیابان خرمند جنوبی، پلاک ۳۵، طبقه ۴، واحد ۱۲

چتر دانش و کالت ۱۴۰۱



سید محمد موسوی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
محمد باری رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
اسمیرن و جیب پور رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
منار جعفریان رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
حسن نوبخت رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
محمد منگری رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
رضوان جعفری رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
زهرا ابراهیم رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
مهدی طاهری رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
علی گورزی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
فاطمه یوسفی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان

با کوله باری از تجربه



عبدالله و طالب زاده رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
کتاب الله حبیبی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
زهرا داوودی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا گورزی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
رضا جعفری رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
علیام حبیبی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان



علی نور حسینی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
محمد حسنک رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
ایمان قاضی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
امیر محمد گوتی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
اسمه باقر غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
مهدی خوشیان رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
محمد یوسفی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
منار و رندی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
مهدی حسینی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
زهرا ابراهیم رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
علی غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
سیدوش حسینی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان



رضا حبیبی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
پریا گورزی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
سارا گورزی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
فاطمه جعفری رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
فاطمه جعفری رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان



علی عادلانی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
سیدامه گامی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
سیدامه گامی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
محمد حسینی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
ایوان فرخ رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
ملک حسینی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
مهدی حسینی رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان



سیدامه شیح زاده رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
علی زینت رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان
میرزا غریبوز رنده ۲۸۸۸ کالون لورستان

آدرس: بروجرده، خیابان مدرس، روبروی آموزش و پرورش
تلفن: ۰۶۶-۴۲۵۰۲۹۶۱
همراه: ۰۹۱۶۸۴۶۵۴۷۹ @ chatre _ borojerd
آدرس: خرم آباد، خیابان انقلاب، سه راه مطهری، کوچه صاحب الزمان
آموزشگاه شکوه - دفتر چتر دانش
همراه: ۰۹۱۶۸۴۶۵۴۷۹ @ chatre _ Lorestan

آزمون آزمایشی
بسته آموزشی
کلاس های حضوری
مشاوره تخصصی

بصورت نقد و اقساط
با تخفیف های ویژه

فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



بخش MDF، آگهی های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، نتویان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدیر، بعد از کوچه خیر خواه



فرش پرند



به زودی آموزش مجازی

آموزش بافت فرش و تابلو فرش

انجام کلیه خدمات :

نخ و نقشه

چله کشی

پرداخت

دار

...



۰۹۱۸۳۱۴۹۵۳۲

۰۹۳۹۳۹۷۷۲۸۰



@FARSH.PARAND.1400



Sun Opal Jewelry

اُپال
سان

بورس فروش ، طراحی و ساخت انواع طلا و جواهر

OPAL

Sun Opal Jewelry

همدان، مظفریه، گالری طلا، طبقه همکف، واحد ۲۹

تلفن: ۳۲۵۳ ۰۸ ۲۷

امانی ۰۹۱۸۸۱۹۹۹۱۸

نصیری ۰۹۱۳۲۷۹۳۷۹۸

opal_gold_hmd





عمارت سنتی ویتراي

02433363858

ساعاتی خوش در کافه شاپ عمارت سنتی ویتراي

زنجان، سبزه میدان، کوچه سید فتح اله پلاک ۸



گروه بازرگانی ایرانیان

 @hamedanyadaktrust

09182111962



09182111963

کاظم پور

فروشگاه ایرانیان مجری طرح بزرگ ایران ۱۸ باهدف حذف واسطه در زمینه
عرضه قطعات خودرو در خدمت شما عزیزان میباشد



سپار بلای زندگی شما
برای همه مردم ایران

نماینده بام زر

کد: ۳۲۷۵

♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه گذاری
♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان همدان، نهاوند، خیابان آزادگان، روبه روی گوجه دکتر صالح

انتشارات خزه ارائه میکند



تهران، خیابان ولیعصر، انتهای پارک ساعی، کوچه شهید امینی، پلاک ۲، واحد ۷

تلفن: ۰۲۱۸۸۶۵۱۲۱۹۰۰

همراه: ۰۹۱۹۹۰۷۰۳۳۷

طراحی تبلیغات

صفر تا صد تبلیغات خود را به ما بسپارید

مشاوره ایده پردازی طراحی اجرا

- طراحی لوگو و ارم
- کارت ویزیت
- طراحی جلد
- تراکت

© ۰۹۰۲۶۳۸۹۹۹۴

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است

مجموعه‌ی گامی با نهادهای مدنی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن
۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام
فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا
سایت طاقچه مراجعه نمایید.



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است مجموعه‌ی حامای چه میگوید؟



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به

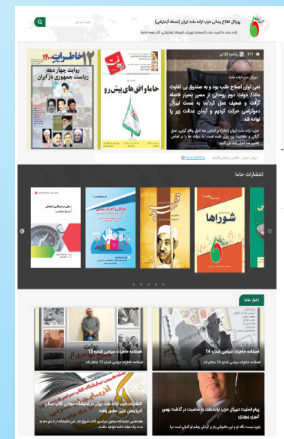
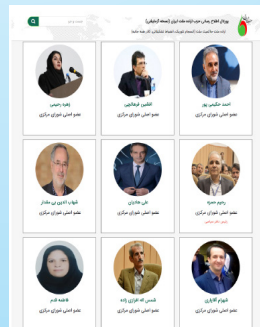
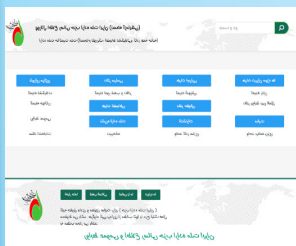
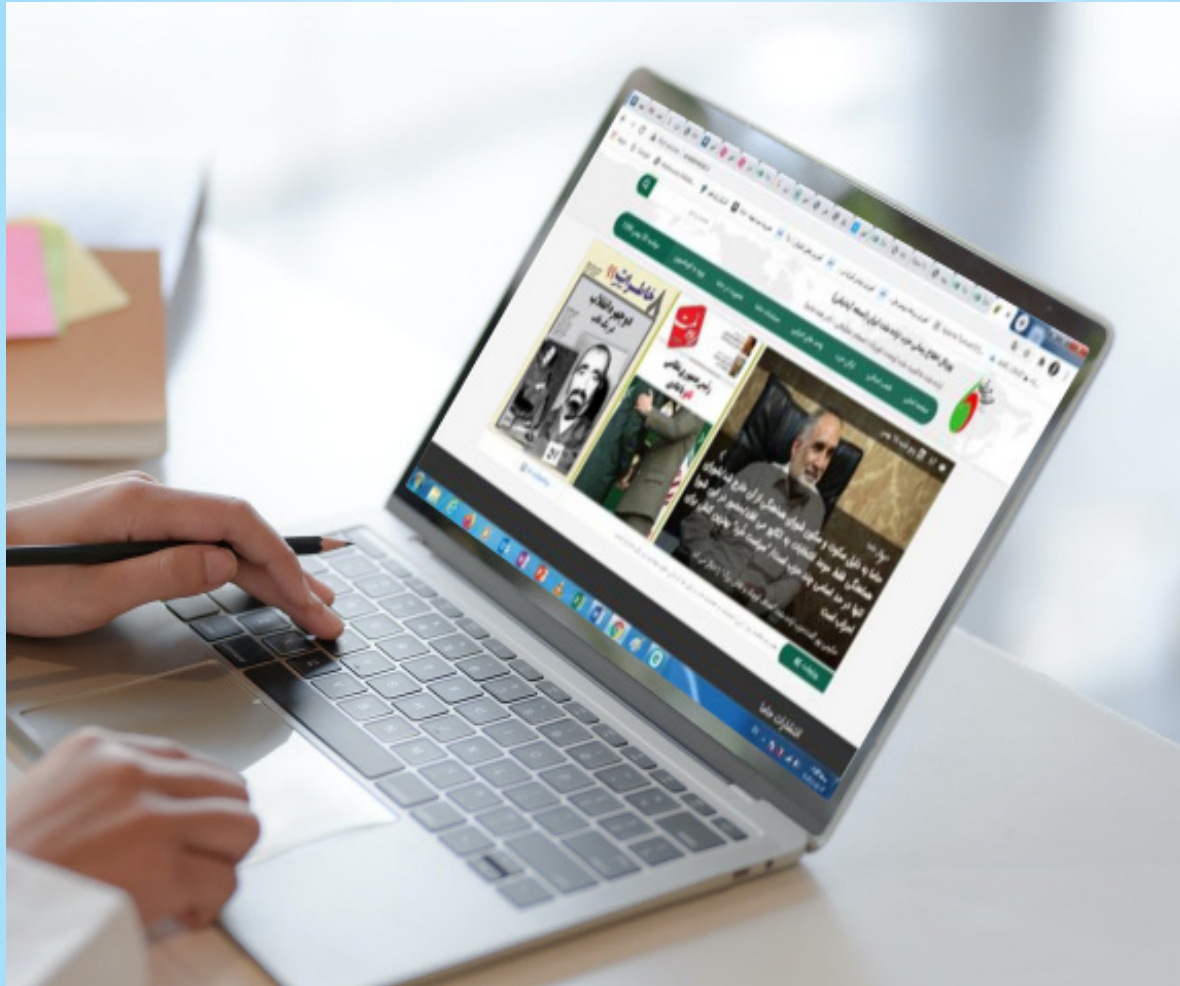
اپلیکشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.



پرتال اطلاع رسانی حزب اراده ملت ایران

مرجع رسمی اطلاع رسانی حزب اراده ملت ایران

<http://erademelat.ir>



پرتال اطلاع رسانی هفته نامه اراده ملت

www.eradehmellat.ir



درباره ما

رسانه‌ها فعالیت خود را آغاز نمود. هفته‌نامه اراده ملت به عنوان یک رسانه حاصل تلاش گروهی اعضای حزب اراده ملت ایران بود.

در روزهای نخستین و در آغاز راه، بحث بر سر انتشار یا عدم انتشار یک نشریه مکتوب بود ولی امروز هفته‌نامه اراده ملت با نمایه‌سازی در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران جزئی از تاریخ شد. گزافه نیست اگر هفته‌نامه اراده ملت را بخشی از تاریخ بدانیم زیرا اکنون ما در حال نوشتن تاریخ هستیم و آیندگان از روی آنچه برای آنان به میراث می‌گذاریم ما را قضاوت خواهند کرد.

در دنیای جدید رسانه‌ها به عنوان پدیده‌ای تأثیرگذار، واقعیت‌ها را به منصفه ظهور می‌رسانند، از این رو به عنوان ابزاری کارآمد نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در عرصه‌های عمومی به‌ویژه سیاست احراز می‌کند. با این تفتن و التفات هستی‌شناختی به مقوله رسانه، با پرهیز از هرگونه نگاه ایدئولوژیک باهدف انعکاس صدای مردم و به‌منظور تحقق اراده ملت در عرصه نظارت و شفافیت و در چارچوب آرمانه‌ای حامی، در پی اخذ مجوز نشریه ارگان حزب، کارگروه رسانه حزب متشکل از اصحاب رسانه عضو حامی با رویکرد بحث و تبادل نظر در مورد مسائل مرتبط با